

گزارش میدانی از بازارهای نوشت افزار، شمال تا جنوب تهران

شهریور؛ رنگ حساب و کتاب والدین

در آستانه بازگشایی مدارس، شادی بچه‌ها و فشار مالی والدین در هم می‌آمیزد و به نقطه مشترک همه خانواده‌ها تبدیل می‌شود

صفحه ۶



پرسه در بازار فروش لوازم جانبی موبایل و اقتصاد ته‌لنجی

تقلب از ویت‌ترین تا خرید آنلایین

بازار قطعات جانبی موبایل به میدان پیچیده‌ای از دغدغه‌های اقتصادی، فنی و حتی امنیتی تبدیل شده است

در سال ۱۴۰۴، اقتصاد خانوارهای ایرانی با تحولات عمیقی مواجه شده است؛ تحولات نه از جنس انتخاب‌های داوطلبانه، بلکه ناشی از فشارهای تورمی، جهش نرخ ارز و کاهش حمایت‌های دولتی است. افزایش نرخ ارز آزاد به مرز ۱۰۰ هزار تومان و رشد نرخ ارز نیمایی به ۷۰ هزار تومان رخ داده است، این مسائل در کنار کاهش تخصیص ارز تر جیحی باعث شده بسیاری از کالاهای اساسی با قیمت‌هایی وارد بازار شوند که دیگر با قدرت خرید طبقه متوسط و ضعیف همخوانی ندارند. این وضعیت، سفره خانوار را نه تنها کوچک‌تر، بلکه از نظر تغذیه‌ای فقیر تر کرده است...

صفحه ۲



غفلت وزارت میراث در حفظ و نگهداری

سازه‌های آبی شوشتر

شاهکار مهندسی

هخامنشی در لبه فروپاشی

همین صفحه



در پی شتابزدگی اروپا و فشار ایالات متحده

بازگشت قطعنامه‌های

شورای امنیت از مهرماه

سفر مسعود پزشکیان به نیویورک و دیدارهای احتمالی

او با مقامات غربی معادلات را تغییر می‌دهد؟

صفحه ۳

گفت‌وگو با اسطوره کشتی ایران که نخواست نامش فاش شود

هیچ‌یک از کشتی‌گیران

پیشرفت فنی نداشتند

آمریکایی‌ها پررو کشتی می‌گیرند! کاهران دریده

کشتی نگرقت، ایستاد، تماشا کرد و باخت

صفحه ۷

علی صفری، نویسنده نمایش «ایفل» از علل نوشتن داستان جهان‌شمول‌اش می‌گوید

مهاجرت بی نتیجه نمایش مهاجرت شد

صفحه ۵



گزارش

غفلت وزارت میراث در حفظ و نگهداری سازه‌های آبی شوشتر

شاهکار مهندسی هخامنشی در لبه فروپاشی

دیواره غربی سامانه آبی شوشتر در آستانه ریزش است و وعده‌های بی‌سرانجام وزارت میراث فرهنگی این میراث جهانی را به مرز فروپاشی کشانده است



محمد عبدالعلی پور
هفت صبح

در آغاز، رودخانه گرگر در دل صخره‌های سست خوزستان آرام می‌جوید و مهندسان ایران باستان، ۲۵۰۰ سال پیش، آن را به ماشین نیروی عظیمی تبدیل کردند. در شهر شوشتر، شاهکاری بی‌همتا پدید آمد؛ سیستمی آبی که ترکیبی از سدها، تونل‌ها، کانال‌ها و آسیاب‌های آبی بود و برای «شکار آب» مهارت حیرت‌آوری به کار گرفته بود. امروز این «موزه زنده مهندسی» بزرگ‌ترین مجموعه صنعتی جهان تا قبل از انقلاب صنعتی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است، اما آرام آرام زیر بار بی‌توجهی و توسعه نابخردانه به سمت فروپاشی پیش می‌رود. در طول تاریخ، شوشتر به‌واسطه همین سیستم‌های آبی شکوفا شد. بند میزان، کانال گرگر، تونل‌های زیرزمینی و آسیاب‌هایی که با جریان آب نهرهای هدایت‌شده، هم‌آرد می‌زدند، هم آب شرب مردم را تأمین می‌کردند، هم زمین‌های کشاورزی را سیراب می‌نمودند. دیمی آبی که پس از چرخاندن پررها در آسیاب‌ها رها می‌شد، به آیش‌هایی زیبا بدل می‌شد و به حوضچه‌های عظیمی می‌ریخت که جلوه‌ای بصری و عملکردی داشتند. این هنر مهندسی، هم در خدمت زندگی بود و هم چشم‌انداز را به نمایش می‌گذاشت. یونسکو از این مجموعه به‌عنوان «هنرنامه‌ای منحصر به‌فرد و بسیار کامل از فنون آبیاری در دوران باستان» یاد کرده است. این سیستم چندملک‌دی، هم تأمین آب شهری، هم آبیاری، هم آسیاب و هم دفاع و حمل‌ونقل رودخانه‌ای را ممکن ساخته بوده و چنین تلفیقی، در دنیای باستان کم‌نظیر بود.

اما امروز، آن سیستمی که روزی آب را رام می‌کرد، خود در برابر نیروی آب و خاک سست و مدیریت نمایشی وزارت میراث فرهنگی به لرزه افتاده است. هشدارهای جدی نخست از حدود سال ۱۳۸۰ به گوش رسید: دیواره غربی مجموعه آسیاب‌ها و نهر تاریخی گرگر دچار رانش شده و هر لحظه امکان فروپاشی آن وجود دارد. طول این دیواره نزدیک به ۶۰۰ متر است و گفته می‌شود حدود ۱۵ سانتی‌متر حرکت کرده است. امین مهدوی کیا مدیر پیشین این مجموعه در سال ۱۴۰۲ نسبت به احتمال رانش و ریزش این میراث جهانی «در هر لحظه» هشدار داده بود. «دیواره

بر روی آسیاب‌ها و بخشی از نهر تاریخی مشرف است و در طرف دیگر ساخت‌وسازهای مسکونی و منابع نشت آب دیده شده‌اند». این رانش، ریشه در چند عامل اصلی دارد: نخست، نشت آب و فاضلاب شهری از پشت دیواره دوم، بارگذاری اضافی و ساخت‌وسازهای جدید بدون ملاحظه اصول حفاظت فنی و مرمتی؛ و سوم، شاید مهمترین عامل، غفلت سیستماتیک وزارت میراث فرهنگی از نظارت و اقدامات پیشگیرانه لازم.

سکوتی که ویران می‌کند؛ شوشتر و میراثی که در حال فروریزختن است

در سال ۱۴۰۰، با توجه به ناپایداری دیواره غربی، دست‌اندرکاران مجبور شدند دسترسی عمومی به بخش‌هایی از مجموعه را تعطیل کنند. این حرکت، نشان‌دهنده جدی بودن خطر بود: اگر دیواره فرو بریزد، نه تنها بناهای تاریخی نابود خواهند شد، بلکه خطر برای مردم ساکن اطراف و بازدیدکنندگان وجود دارد. هم‌زمان با ناتوانی وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای حفاظت از میراث جهانی، یونسکو چندین بار در قالب کمک فنی و ارسال تخصصی از دانشگاه فلورانس برای ارزیابی شرایط ژئومورفولوژیک و راهکارهای تثبیت، به مشارکت دعوت شده است. با این حال، بررسی سوابق نشان می‌دهد راهبرد کلیدی در وزارت میراث فرهنگی بیش از آنکه پیشگیرانه باشد، واکنشی است. تغییرات اقلیمی، سیلاب‌های فصلی، زلزله و توسعه بدون ضابطه در اطراف این بافت تاریخی، همگی از عواملی هستند که خطر نابودی شوشتر را افزایش داده‌اند. یک مطالعه ژئوتکنیکی نشان داده که منطقه زیر ساخت‌های آبی تاریخی دارای خاک‌هایی با نفوذپذیری متفاوت و سنگ بستر با کیفیت پایین است؛ این وضعیت در برابر حرکت زمین و زلزله، آسیب‌پذیری بالایی ایجاد می‌کند. وزارت میراث فرهنگی بخصوص در سال اخیر به جای اجرای طرح‌های بنیادین حفاظت، بیش از هر چیز به نمایش‌های رسانه‌ای بسنده کرده است. افتتاح‌های نمادین، بازدیدهای پر سر و صدا و وعده‌های پرطمطراق در برابر دوربین‌ها جایگزین برنامه‌ریزی علمی و اقدام عملی شده‌اند. در حالی که دیواره غربی شوشتر هر روز بیشتر می‌لغزد، اولویت مدیران بیشتر بر انتشار خبر و عکس در رسانه‌هاست تا مرمت اضطراری و تأمین امنیت این میراث جهانی.



چنین مدیریت نمایشی، نه تنها معضلات اصلی را حل نکرده، بلکه اعتماد عمومی را نسبت به جدیت وزارت میراث در صیات از آثار ثبت‌شده یونسکو به‌شدت تضعیف کرده است.

پیامدهای خردکننده فرو ریزختن دیواره

تصور کنید دیواره غربی ریزش کند و انبوه آب به‌طور ناگهانی وارد کانال‌ها، تونل‌ها و آسیاب‌های تاریخی شود. نه فقط بخش‌های میراثی بر جای نخواهد ماند، بلکه نهر گرگر که خود یکی از آثار باستانی دست‌کنند هخامنشی است، مسدود خواهد شد و جریان طبیعی آب مختل می‌شود. این اختلال می‌تواند پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد: از سیلاب در بافت‌های مسکونی، آسیب به زندگی مردم محلی، قطع آب شرب و آبیاری، و حتی خسارت‌های جانی و مالی سنگین. در کنار آن، تخریب بناهای تاریخی و آسیاب‌ها صرفاً یک فاجعه فرهنگی نیست؛ بلکه زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را به دنبال دارد. با فروپاشی این سازه مهندسی، سرمایه‌گذاری تاریخی چند هزار ساله به یک باره از بین خواهد رفت و بافت تاریخی شهر در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. کنوانسیون بین‌المللی میراث فرهنگی به صراحت می‌گوید که حفاظت از جان‌بازدیدکنندگان و ثبات ساختاری آثار تاریخی، وظیفه دولت‌هاست. اما مدت‌هاست که وعده‌ها و صور تجلسه‌ها در مدار اجرا قرار نگرفته‌اند. با وجود ثبت شوشتر به‌عنوان دهمین اثر جهانی ایران در یونسکو در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۹ میلادی) مسئولان وزارت میراث هنوز نتوانسته‌اند یک برنامه هماهنگ و موثر حفاظتی در برابر رانش غربی تدوین و اجرا کنند. پرداختن به میراث شوشتر می‌تواند الگویی برای نحوه مواجهه با فرهنگ و تاریخ در ایران باشد. اگر هم اکنون، وزارت میراث فرهنگی به‌صورت جدی وارد عمل نشود، آنچه امروز یک «میراث جهانی» خوانده می‌شود، فردا ممکن است تنها در کتاب‌ها و عکس‌ها بماند و بر دفتر کار نامه میراث‌دار ایران، لکهای پاک‌نشده بنشیند. اما پرسش اساسی اینجاست: آیا «فردا» برای اقدام دیر نشده است؟ اگر امروز اقدام نکنیم، احتمالاً میراثی جهانی در آستانه فروپاشی، نه تنها تاریخ، بلکه زندگی مردم اطراف خود را نیز با خود نابود خواهد ساخت. اقدام مسئولانه و به‌موقع، تنها راهی است که میراث شوشتر را از لغزش تاریخ به پر نگاه فنا بازمی‌گرداند.



تاثیر تورم بر سبک زندگی و غذایی مردم

سفره‌های کوچکتر؛ پسماند کمتر

کاهش پسماند دهک‌های پایین به معنای حذف وعده‌ها و اقلام غذایی است تا بهینه‌سازی مصرف



مونا موسوی

هفت صبح

در سال ۱۴۰۴، اقتصاد خانوارهای ایرانی با تحولات عمیقی مواجه شده است؛ تحولات نه از جنس انتخاب‌های داوطلبانه، بلکه ناشی از فشارهای تورمی، جهش نرخ ارز و کاهش حمایت‌های دولتی است. افزایش نرخ ارز آزاد به مرز ۱۰۰ هزار تومان و رشد نرخ ارز نیمایی به ۷۰ هزار تومان رخ داده است. این مسائل در کنار کاهش تخصیص ارز ترجیحی باعث شده بسیاری از کالاهای اساسی با قیمت‌هایی وارد بازار شوند که دیگر با قدرت خرید طبقه متوسط و ضعیف همخوانی ندارند. این وضعیت، سفره خانوار را نه تنها کوچک‌تر، بلکه از نظر تغذیه‌ای فقیرتر کرده است. به ویژه اینکه قرار شده یارانه دهک‌های هفتم به بعد هم به طور کامل حذف شود و مسئله جدی‌تر اینکه ملاک حذف یارانه تراکنش بانکی است که برخی به واسطه شغلشان تراکنش بالایی دارند به همین دلیل از یارانه حذف می‌شوند در حالی که در واقعیت جزو خانواده‌های مرفه نیستند. آنچه در ادامه می‌خوانید، روایت تحلیلی از حذف تدریجی کالاهای اساسی از زندگی روزمره مردم و پیامدهای بلندمدت آن بر سلامت و عدالت اجتماعی است.

حذف برخی کالاهای ارز ترجیحی

در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، سفره خانوار ایرانی با تغییراتی بنیادین مواجه شده است که نتیجه اجبار اقتصادی و سیاست‌های ارزی پرنوسان بوده‌اند. هرچند دولت همچنان نرخ ارز ترجیحی را ۲۸۵۰۰ تومان تخصیص می‌دهد، اما واقعیت بازار چیز دیگری است. خروج تدریجی کالاهایی مانند گوشت قرمز، لبنیات، روغن، برنج خارجی و حتی برخی اقلام دارویی از شمول ارز ترجیحی، موجب شده این کالاهای با نرخ نیمایی وارد شوند و قیمت آن‌ها در بازار داخلی به‌طور میانگین بین ۶۰ تا ۱۲۰ درصد افزایش یابد.

در سال ۱۴۰۳، با وجود تورم بالا، دولت تلاش کرد با واردات گوشت گرم قرمز با ارز ترجیحی، قیمت این کالای پروتئینی را در محدوده ۶۰۰ هزار تومان نگه دارد. اما در سال ۱۴۰۴، با کاهش ۳ میلیارد دلاری در تخصیص ارز کالاهای اساسی، گوشت قرمز عملاً از فهرست حمایت خارج شد. نتیجه؟ قیمت گوشت یخی وارداتی به ۶۰۰ هزار

سفره مردم چه تغییری کرده است؟

در مواجهه با این موج گرانی، رفتار مصرف‌کننده ایرانی دچار دگرگونی شده است. در بسیاری از موارد، جایگزینی

تومان رسید و گوشت گرم داخلی دو برابر این قیمت در بازار عرضه می‌شد تا گوشت گرم داخلی از سفره دهک‌های متوسط تا حدودی حذف شود. بنابراین برای بسیاری از خانوارهای دهک‌های پایین، گوشت قرمز به کالایی لوکس تبدیل شده و جای خود را به منابع پروتئینی ارزان‌تر مانند تخم‌مرغ، سویا یا در مواردی حتی حذف کامل داده است. لبنیات نیز با افزایش قیمت شیر خام و کاهش یارانه تولید، از سفره بسیاری از خانواده‌ها حذف شده یا مصرف آن به‌شدت کاهش یافته است. برنج خارجی که در سال گذشته با قیمت‌های کنترل‌شده عرضه می‌شد، حالا با نرخ نیمایی وارد می‌شود و قیمت آن به سطح برنج ایرانی در سال گذشته نزدیک شده و همین مسئله منجر به جهش ۱۰۰ درصدی قیمت برنج ایرانی شد.

تغییرات سفره مردم در سال ۱۴۰۴، فراتر از یک مسئله اقتصادی، به یک بحران اجتماعی و سلامت عمومی تبدیل شده



تورم نه تنها تغذیه خانوار را فقیرتر کرده، بلکه به کاهش پسماند غذایی و تغییر سبک زندگی منجر شده که نشانه‌ای از بحران معیشتی و شکاف فزاینده اجتماع است

افزایش قیمت کالاهای اساسی و حذف یارانه‌ها، پیامدهای بلندمدتی بر سلامت عمومی دارد. هم‌زمان، کاهش قدرت خرید باعث شده پسماند غذایی در دهک‌های پایین نه به دلیل اصلاح مصرف، بلکه به‌واسطه حذف وعده‌ها و اقلام غذایی به‌شدت کاهش یابد

مصرف ماهانه گوشت، برنج خارجی، لبنیات و حتی میوه‌های خاص مانند کلابی، کیلاس، آلبالو و... در بسیاری از خانوارهای شهری و روستایی به صفر یا نزدیک به صفر رسیده است



- در سال ۱۴۰۴، جهش نرخ ارز، حذف تدریجی ارز ترجیحی و کاهش یارانه‌ها موجب شده بسیاری از کالاهای اساسی از سفره خانوارهای ایرانی حذف شوند
- گوشت، لبنیات، برنج و حتی میوه‌های معمول، دیگر برای دهک‌های متوسط و ضعیف قابل تأمین نیستند. ملاک‌های ناعادلانه برای حذف یارانه، مانند تراکنش بانکی، نیز فشار مضاعفی بر اقشار آسیب‌پذیر وارد کرده‌اند

اساسی وجود دارد. بسیاری از کالاهای اساسی با قیمت‌هایی وارد بازار می‌شوند که دیگر با قدرت خرید طبقه متوسط و ضعیف همخوانی ندارند و سفره خانوار از نظر تغذیه‌ای فقیرتر شده است تا جایی که مصرف‌کننده‌ها پسماند غذایی خود را کاهش داده‌اند. این مسئله ناشی از سیاست‌های ارزی، کاهش حمایت‌های دولتی و تورم افسارگسیخته رخ داده است. اگر این روند ادامه یابد، نه‌تنها سلامت عمومی، بلکه اعتماد اجتماعی به سیاست‌گذاری اقتصادی نیز آسیب خواهد دید. بازنگری در سیاست‌های ارزی، هدفمندی حمایت‌ها و تقویت تولید داخلی با نگاه به سفره مردم، ضرورتی فوری است، پیش از آن که حذف کالاهای حذف امید تبدیل شود.

اقدام غذایی کاهش یافته است. این کاهش مصرف، به‌طور طبیعی منجر به کاهش پسماند غذایی شده، اما نه از مسیر اصلاح رفتار مصرفی یا افزایش آگاهی، بلکه به دلیل کاهش دسترسی و حذف کالاهای سفره مردم. خانوارهایی که بیش‌تر امکان خرید و نگهداری مواد غذایی بیشتر را داشتند، اکنون به خرید روزانه و حداقلی روی آورده‌اند. این رفتار، اگرچه از منظر کاهش ضایعات غذایی مثبت به نظر می‌رسد، اما در واقع بازتابی از فقر تغذیه‌ای و کاهش امنیت غذایی است. به عبارت دیگر، کاهش پسماند در این دهک‌ها بیشتر به معنای حذف وعده‌ها و اقلام غذایی است تا بهینه‌سازی مصرف.

افزایش پسماند پلاستیک و قوطی فلزی

هم‌زمان با کاهش مصرف مواد غذایی تازه، سهم مواد غذایی فرآوری‌شده و بسته‌بندی‌شده در سبد خانوار افزایش یافته است. این تغییر، نوع پسماند را نیز دگرگون کرده است؛ به‌جای دورریز سبزیجات، گوشت یا نان، حالا بسته‌بندی‌های پلاستیکی، کنسروها و نوشیدنی‌های صنعتی سهم بیشتری در زباله‌های خانگی دارند. این جابه‌جایی،

است. کاهش مصرف پروتئین، لبنیات و میوه، به‌ویژه در کودکان و سالمندان، می‌تواند آثار بلندمدتی بر سلامت جمعی داشته باشد. از سوی دیگر، شکاف طبقاتی در مصرف کالاهای اساسی به‌وضوح افزایش یافته است؛ طبقات بالای جامعه همچنان به کالاهای باکیفیت دسترسی دارند، در حالی که طبقات متوسط و ضعیف با حذف جایگزینی‌های نامناسب مواجه‌اند.

کاهش پسماند غذایی در ایران این فشار تورم به قدری بر سفره مردم زیاد بوده که باعث شده در یک دهه گذشته، تأثیر قابل توجهی بر میزان پسماند غذایی ناچار به تغییر الگوی مصرف خود شده‌اند. داده‌های مرکز آمار ایران و گزارش‌های نهادهای پژوهشی نشان می‌دهد که مصرف سرانه بسیاری از

این بازار، که ارزش آن در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۲۴ میلیارد دلار رسیده، نه‌تنها یکی از پرسودترین حوزه‌های خردفروشی است، بلکه به بستری برای قاچاق، سوءاستفاده و رقابت ناسالم تبدیل شده است. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته تنها نمایندگی‌های رسمی مجاز به فروش چنین کالاهایی اند، در ایران کاربران با هزاران فروشگاه و سایت آنلاین مواجه‌اند که هر یک می‌توانند میان یک خرید مطمئن یا یک خسارت جبران‌ناپذیر تفاوت ایجاد کنند.

تقلب، از وترین بازار تا فروشگاه آنلاین

در سال‌های اخیر، بازار لوازم جانبی موبایل در ایران به یکی از پرچالش‌ترین حوزه‌های خردفروشی دیجیتال تبدیل شده است. محصولاتی مانند شارژر، هندزفری، قاب و محافظ صفحه، که روزگاری به‌عنوان اقلام جانبی ساده شناخته می‌شدند، امروز به منبعی از دغدغه‌های فنی، اقتصادی و حتی امنیتی برای مصرف‌کنندگان بدل شده‌اند. عرضه گسترده کالاهای تقلبی با برچسب «اصل»، در غیاب نمایندگی‌های رسمی برندهای معتبر، نه‌تنها عمر دستگاه‌های هوشمند را کاهش می‌دهد، بلکه خسارت‌های میلیونی و بعضاً جبران‌ناپذیر به کاربران تحمیل می‌کند. با خروج نمایندگی‌های رسمی برندهای موبایل از ایران پس از سال ۱۳۹۷، خلأقانونی و ساختاری در حوزه فروش لوازم جانبی به‌وجود آمد. این خلأ، زمینه‌ساز رشد فروشگاه‌های غیررسمی و عرضه محصولاتی شد که از نظر ظاهری مشابه نمونه‌های اصلی هستند، اما در عمل فاقد کیفیت، ایمنی و استاندارد لازم دارند. تفاوت میان کالای اصل و تقلبی به‌قدری جزئی است که بدون دانش فنی، تشخیص آن برای خریداران تقریباً غیرممکن است. این مسئله، حتی در فروشگاه‌های شناخته‌شده نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که گاهی فروشنده خود نیز از تقلبی بودن کالای اطلاع است.

تجربه‌های تلخ کاربران و فقدان نظارت

در بازار آنلاین نیز وضعیت نگران‌کننده‌تر است. تصاویر کالاهای اغلب از نمونه‌های اصلی برداشته شده‌اند، اما محصول ارسالی کیفیت پایینی با ساختگی دارد. استفاده از لوگوهای جعلی، بسته‌بندی مشابه برندهای معتبر و ارائه گارانتی‌های غیرقانونی، از جمله روش‌هایی هستند که برخی فروشندگان برای فریب خریداران به کار می‌گیرند. این شرایط، ضرورت نظارت فوری و هدفمند بر فروش آنلاین لوازم جانبی را دوچندان کرده است؛ وظیفه‌ای که باید در دستور کار اتحادیه صنفی و انجمن واردکنندگان قرار گیرد. تجربه‌های کاربران نیز گویای عمق بحران است. یکی از خریداران، پس از تهیه شارژری با برچسب «اصل»، با داغ شدن گوشی و خرابی باتری مواجه شده و در مراجعه به فروشنده با پاسخ «تضمینی ندارد» روبه‌رو شد. این تجربه، که در میان کاربران به‌وفور تکرار می‌شود، نشان‌دهنده نبود ضمانت‌اجرائی، ضعف نظارت و فقدان سازوکارهای حمایتی برای مصرف‌کنندگان است. فعالان بازار معتقدند که یکی از دلایل



تحریریه‌ها و محدودیت‌های تجاری مسیر واردات لوازم جانبی موبایل ایران را از اروپا به آسیا تغییر داده‌اند. چین، امارات، ترکیه و هند اکنون اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان این بازار هستند. با وجود واردات رسمی، حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از کالاهای مسیرهای غیررسمی مانند تهلنجی و قاچاق وارد می‌شوند. هم‌زمان، دهه‌ها واحد تولیدی غیرمجاز داخلی با مونتاژ قطعات بی‌کیفیت، بازار را با محصولات شبه‌برند اشباع کرده‌اند. این شرایط، ضمن تهدید سلامت مصرف‌کننده، رقابت سالم را مختل کرده و نیازمند مداخله فوری نهادهای صنفی و دولتی است

اصلی این بحران، نبود آگاهی کافی در میان مصرف‌کنندگان است. بسیاری از کاربران نمی‌دانند چه نشانه‌هایی اصالت کالا را تأیید می‌کند و به‌راحتی قرب تبلیغات و بسته‌بندی می‌خورند. از سوی دیگر، نبود مجازات‌های بازدارنده و ضعف در اجرای مقررات باعث شده فروشندگان متخلف با کمترین ریسک به فعالیت خود ادامه دهند.

قاچاق، تهلنجی و تولیدات بی‌کیفیت داخلی

واردات کالاهای تهلنجی نیز به‌عنوان یکی از مسیرهای تأمین، با وجود نظارت نسبی، همچنان فاقد شفافیت کامل است. هرچند مسئولان معتقدند که واردات از این مسیر نسبت به قاچاق قابل کنترل‌تر است، اما همچنان نمی‌توان از اصالت کالاهای اطمینان کامل داشت. در چنین شرایطی، بازگشایی مجدد نمایندگی‌های رسمی برندهای معتبر و ایجاد بستر قانونی برای فروش رسمی، تنها راهکار پایدار برای ساماندهی این بازار به‌شمار می‌رود.

در کشورهای توسعه‌یافته، فروش لوازم جانبی موبایل فقط از طریق نمایندگی‌های مجاز انجام می‌شود. اما در ایران، به‌دلیل بازار لوازم جانبی موبایل در ایران با گردش مالی بیش از ۲۴ میلیارد دلار، به یکی از سودآورترین و در عین حال پرریسک‌ترین حوزه‌های خردفروشی تبدیل شده است. خروج نمایندگی‌های رسمی برندهای معتبر، رشد فروشگاه‌های غیررسمی و عرضه گسترده کالاهای تقلبی، موجب سردرگمی مصرف‌کنندگان و تحمیل خسارت‌های فنی و مالی شده است. در غیاب نظارت موثر و مجازات‌های بازدارنده، فروشندگان متخلف با کمترین ریسک فعالیت می‌کنند. اصلاح این بازار نیازمند بازگشت نمایندگی‌های رسمی، اعتبارسنجی فروشندگان و برخورد ساختاری با تولیدکنندگان غیرمجاز داخلی است



تحریریه‌ها و محدودیت‌های تجاری، این مسیر مسدود شده و برخی اصناف با سوءاستفاده از نام برندهای معتبر، خود را به‌عنوان نماینده رسمی معرفی می‌کنند. این ادعاها، در غیاب نظارت موثر، موجب گسترش قریب مصرف‌کننده و تضعیف اعتماد عمومی شده‌اند.

اقتصاد میلیاردری و چالش اعتماد عمومی

برآوردها نشان می‌دهد که ارزش بازار لوازم جانبی موبایل در ایران در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۲۴ میلیارد دلار رسیده است. این رقم، با توجه به رشد مصرف گوشی‌های هوشمند، افزایش قیمت دستگاه‌ها و حذف برخی اقلام از بسته‌بندی رسمی برندها (مانند شارژر و هندزفری)، روندی صعودی را طی کرده و به یکی از سودآورترین حوزه‌های تجارت الکترونیک و خردفروشی تبدیل شده است. با وجود اجرای طرح رجیستری در حوزه تلفن همراه و کاهش چشمگیر قاچاق گوشی، بازار لوازم جانبی همچنان با سهم قابل توجهی از واردات غیررسمی و قاچاق مواجه است. برآوردهای صنفی نشان می‌دهد که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از لوازم جانبی موجود در بازار از مسیرهای غیررسمی مانند تهلنجی، مرزهای جنوبی و واردات بدون ثبت گمرکی تأمین می‌شوند. در کنار واردات، بخش قابل توجهی از بازار توسط شرکت‌های غیرمجاز داخلی تأمین می‌شود. این شرکت‌ها، بدون مجوز رسمی از وزارت صمت یا اتحادیه‌های صنفی، اقدام به مونتاژ یا تولید لوازم جانبی با کیفیت پایین و بسته‌بندی‌های شبه‌برند می‌کنند. در مجموع، بازار لوازم جانبی موبایل ایران با وجود ظرفیت بالا و تقاضای گسترده، همچنان با چالش‌هایی جدی در حوزه اصالت کالا، نظارت و ساماندهی زنجیره تأمین مواجه است. برای رسیدن به نقطه تعادل، لازم است نهادهای صنفی و دولتی با معرفی فروشندگان رسمی، ایجاد سامانه‌های اعتبارسنجی و برخورد با واحدهای متخلف، مسیر اصلاح ساختاری این بازار را هموار کنند.

گروه اقتصادی بازار لوازم جانبی موبایل در ایران دیگر تنها بازاری برای خرید یک قاب رنگی یا هندزفری ساده نیست؛ به میدان پیچیده‌ای تبدیل شده که در آن دغدغه‌های اقتصادی، فنی و حتی امنیتی در هم تنیده‌اند. آنچه روزگاری جزو خریدهای کم‌اهمیت به شمار می‌رفت، امروز می‌تواند سرنوشت عمر گوشی هوشمند و جیب مصرف‌کننده را تعیین کند. کافیه است شارژری با برچسب «اصل» خریداری کنید و چند روز بعد، باتری گوشی‌تان دچار مشکل شود یا حتی کل دستگاه بسوزد. تجربه‌ای که برای بسیاری از کاربران تکرار شده و نشان می‌دهد پای یک بحران ساختاری در میان است؛ غیبت نمایندگی‌های رسمی برندهای معتبر، فقدان سازوکار نظارتی و بازاری که مرز میان «اصل» و «تقلبی» در آن به باریکی یک لوگوی چاپ‌شده روی بسته‌بندی است.



گزارش

در پی شتابز دگی اروپا و فشار ایالات متحده

بازگشت قطعنامه های شورای امنیت از مهر ماه

سفر مسعود پز شکیان به نیویورک و دیدارهای احتمالی او با مقامات غربی معادلات را تغییر می دهد؟



با نزدیک شدن به موعد بازگشت تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران در کمتر از ۱۰ روز، تماس اخیر عباس عراقچی وزیر امور خارجه، با مقامات اروپایی، پرده از شکافی عمیق برداشت که دیپلماسی را در تنگنا قرار داده است. پیشنهاد تمدید شش‌ماهه مذاکرات که در نگاه اول روزنه‌ای برای تنفس به نظر می‌رسد، در واقع تاکتیکی برای فشار بیشتر بر تهران است، با شروطی که ایران آنها را نقض حاکمیت خود می‌داند. در این میان، سفر قریب‌الوقوع مسعود پز شکیان، رئیس‌جمهور ایران به نیویورک برای شرکت در نشست سازمان ملل، آخرین فرصت برای احیای مدل «توقف در برابر توقف» و کاهش تنش‌هاست، اما با سایه محاسبات انتخاباتی آمریکا، فشارهای اسرائیل و بی‌اعتمادی اروپا، پنجره مصالحه هر لحظه تنگ‌تر می‌شود. آیا این سفر می‌تواند معادلات هسته‌ای و امنیتی خاورمیانه را تغییر دهد، یا ایران و جهان را به سوی بحرانی فراگیر سوق خواهد داد؟ پاسخ این پرسش، آینده‌ای فراتر از تحریم‌ها را رقم خواهد زد.

در حالی که کمتر از ۱۰ روز تا بازگشت تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران باقی‌مانده، تماس تلفنی چهارشنبه‌گذشته عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران، با مقامات اروپایی به‌خوبی نشان داد که جمهوری اسلامی ایران در همکاری با آژانس و رفع بهانه‌ها در مسیر شفافیت و تعامل سازنده گام برداشته با این حال شکاف سیاسی موجود همچنان پابرجاست و عملاً فرصتی برای پر کردن این گسل در زمان اندک باقیمانده دیده‌ نمی‌شود. هرچند در محافل دیپلماتیک از گزینۀ تمدید شش‌ماهه به‌عنوان مسیری برای خرید زمان سخن به میان آمده اما بیشتر تحلیلگران معتقدند که این گزینه بیش از آنکه جدی باشد، به تاکتیکی برای افزایش فشار بر تهران شباهت دارد. اروپا اکنون بیش از گذشته در هماهنگی با آمریکا و حتی با توجه به برخی تحرکات اطلاعاتی اسرائیل، بازگشت کامل تحریم‌ها و قطعنامه‌ها را مسیری برای وادار کردن ایران به پذیرش خواسته‌های گسترده‌تر می‌بیند؛ خواسته‌هایی که از مرز تعهدات هسته‌ای فراتر رفته و به مسائل منطقه‌ای و موشکی نیز تسری پیدا کرده است.

در چنین فضایی، پیشنهاد تمدید شش‌ماهه که در نگاه اول می‌تواند راهی برای تنفس مذاکراتی باشد، در واقع با شروطی سخت و الزام‌آور گره خورده است؛ شروطی که تهران آن‌ها را مغایر با حق حاکمیتی و توافقات پیشین می‌داند. این کشمکش نشان می‌دهد که بحران موجود دیگر صرفاً بر سر چند سانسر یقیو باسط غنی‌سازی نیست، بلکه در بطن خود به تقابل رویکردهای ژئوپلیتیک و بی‌اعتمادی عمیق سیاسی بازمی‌گردد.

واپسین امیدها در نیویورک؛ پز شکیان در کانون نگاه‌ها

در واپسین امیدها برای کنترل بحران، اکنون نگاه‌ها به سفر مسعود پز شکیان، رئیس‌جمهور ایران، به نیویورک و دیدارهای احتمالی او با مقامات غربی در حاشیه نشست سازمان ملل دوخته شده است. برخی محافل دیپلماتیک معتقدند که در صورت بروز ابتکار عمل در این دیدارها، می‌توان بار دیگر مدل «توقف در برابر توقف» یا همان توافق موقت را بر سر میز بازگرداند؛ مدلی که در آن تهران گام‌های هسته‌ای خود را متوقف می‌کند و در مقابل، اروپا و آمریکا بخشی از فشارها و تحریم‌ها را معلق نگاه می‌دارند. اما مشکل اینجاست که نه زمان کافی برای شکل دهی به چنین توافقی در روزهای باقی‌مانده وجود دارد و نه اراده سیاسی لازم از سوی اروپا و آمریکا برای پیشبرد این طرح دیده می‌شود. بسیاری از ناظران بر این باورند که فضای سیاسی فعلی بیش از آنکه برای مصالحه آماده باشد، تحت تأثیر محاسبات انتخاباتی آمریکا، فشارهای اسرائیل و نگرانی‌های امنیتی و بی‌ارادگی اروپا شکل گرفته است. این شرایط باعث شده حتی پیشنهادهایی که می‌توانستند در گذشته به‌عنوان «راه‌حل‌های میانی» مطرح شوند، اکنون فاقد وزن و پشتوانه اجرایی باشند.

هزینه‌های شکست دیپلماسی و سناریوی بازگشت تحریم‌ها

بازگشت تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران در صورت تکمیل فرایند موسوم به «هکانیسیم ماشه»، تبعاتی فراتر از عرصه حقوقی خواهد داشت. در گام نخست، بازگشت محدودیت‌های اقتصادی و بانکی می‌تواند تعاملات تجاری ایران را با موانع جدی مواجه کند و فضای سرمایه‌گذاری را بیش از گذشته منجمد سازد. همزمان، سطح همکاری‌های هسته‌ای میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی ممکن است با کاهش جدی روبه‌رو شود؛ سناریویی که می‌تواند بر شفافیت برنامه هسته‌ای ایران سایه افکند و نگرانی‌های امنیتی غرب را تشدید کند. در بعد منطقه‌ای، بازگشت تحریم‌ها می‌تواند بهانه‌ای برای افزایش ماجراجویی‌های اسرائیل علیه منافع ایران در منطقه فراهم آورد؛ وضعیتی که احتمال درگیری‌های نیابتی در خاورمیانه را بالا می‌برد و بی‌ثباتی سیاسی را تشدید می‌کند. از سوی دیگر، شکست دیپلماسی در این مقطع به تضعیف جریان‌های میانه‌رو در داخل ایران منجر خواهد شد و فضای تصمیم‌گیری را به سمت گزینه‌های سخت‌گیرانه‌تر سوق می‌دهد. در نهایت، اگرچه هر برخی هنوز از روزنه‌های محدود برای تسخیر سنخ می‌گویند اما مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد که پنجره دیپلماسی هر روز تنگ‌تر می‌شود و هزینه‌های عدم توافق می‌تواند برای همه طرف‌ها از ایران گرفته تا اروپا و حتی آمریکا، سنگین‌تر از هر سناریوی مصالحه باشد. پرسش کلیدی این است که آیا طرف‌های درگیر در لحظات پایانی توان عبور از محاسبات تاکتیکی و رسیدن به یک مصالحه حداقلی را دارند یا خیر؛ پرسشی که پاسخ آن در هفته‌های پیش رو نه تنها آینده پرونده هسته‌ای ایران، بلکه معادلات امنیتی خاورمیانه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

تماس تلفنی چهارشنبه‌گذشته عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با مقامات اروپایی به‌خوبی نشان داد که شکاف سیاسی موجود همچنان پابرجاست و عملاً فرصتی برای پر کردن این گسل در زمان اندک باقیمانده دیده نمی‌شود

سیاست

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۱۵۱ | شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ |

تکمیل توافقی‌های تجاری میان لندن و واشینگتن

یکی از مهم‌ترین محورهای سفر دوم ترامپ به لندن، تکمیل توافقی‌های تجاری میان دو کشور بود؛ توافقی‌هایی که در ماه مه پایه‌گذاری شدند اما هنوز به مرحله نهایی نرسیده‌اند. نخست‌وزیر بریتانیا، کی‌یر استارمر، این پرونده را اولویت اصلی خود می‌دانست، زیرا معتقد بود تعهدات اولیه کافی نیست و باید توافقی جامع‌تر و سودمندتر حاصل شود. در شرایطی که اقتصاد بریتانیا با فشارهای ناشی از برگزیت، انتقادات گسترده نسبت به سیاست‌های مالیاتی دولت و رکود برخی صنایع کلیدی مواجه است، استارمر می‌خواست این توافق به‌عنوان نشانه‌ای از ثبات و جذابیت اقتصادی بریتانیا برای سرمایه‌گذاران خارجی تعبیر شود. اعضای قراردادهای بزرگ با شرکت‌های آمریکایی مانند بلکراک و الفابت بخشی از همین استراتژی بود. این قراردادها علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی، می‌توانستند پیام روشنی به بازارهای جهانی ارسال کنند که بریتانیا همچنان مقصدی قابل اعتماد برای سرمایه‌گذاری است. ترامپ نیز پیش از سفر تأکید کرده بود که آماده است این توافق‌ها را «بهتر و کامل‌تر» کند. همین رویکرد نشان می‌دهد که کاخ سفید نیز به روابط اقتصادی نزدیک‌تر با بریتانیا علاقه‌مند است، به‌ویژه در زمانی که تنش‌های تجاری آمریکا با برخی شرکای دیگر، از جمله اتحادیه اروپا و چین، رو به افزایش گذاشته است. با این حال، تحلیلگران می‌گویند دستیابی به توافق جامع، تنها جنبه اقتصادی ندارد، بلکه وجهه سیاسی دولت استارمر را نیز تقویت می‌کند. پس از بحران‌های سیاسی داخلی، دولت بریتانیا به نمادی از موفقیت در سیاست خارجی نیاز داشت و توافق تجاری کامل با آمریکا می‌توانست چنین نقشی ایفا کند.

دیدار رسمی ترامپ با پادشاه چارلز سوم و حضور در مراسم تشریفاتی سطح بالا فرصتی بود تا لندن پیامی آشکار به جهان بفرستد مه «رابطه ویژه» میان بریتانیا و آمریکا همچنان پابرجاست. این رابطه که ریشه در همکاری‌های تاریخی، امنیتی و اقتصادی دو کشور دارد، پس از برگزیت برای بریتانیا اهمیت بیشتری یافته است، زیرا این کشور به دنبال جایگاه جدیدی در نظم جهانی است.

از منظر سیاست جغرافیایی نیز این سفر پیام روشنی داشت. دورانی که چین و روسیه در حال گسترش نفوذ خود هستند، نزدیکی لندن و واشینگتن نشان می‌دهد که دو متحد قدیمی قصد دارند همچنان بازبرگران کلیدی در معادلات جهانی باقی بمانند. تحلیلگران می‌گویند حتی اگر پرونده‌های تجاری یا تعرفه‌ای به سرعت حل نشود، نمادگرایی این سفر به خودی خود اهمیت استراتژیک دارد.

به بیان دیگر، سفر دوم ترامپ به بریتانیا تنها درباره قراردادهای اقتصادی یا تعرفه‌های فولاد نبود. این سفر تلاشی بود برای بازسازی تصویر لندن و واشینگتن به‌عنوان متحدانی قدرتمند در جهانی پر تنش؛ تصویری که می‌تواند مسیر روابط دو کشور را در سال‌های آینده تعیین کند.

▼

اهمیت این سفر از آن جهت پررنگ‌تر می‌شود که از سال ۱۹۵۲ تاکنون، تعداد دعوت‌های رسمی سلطنتی به رؤسای جمهور آمریکا به‌طور سنتی محدود بوده و حتی رؤسای جمهور برجسته‌ای همچون بوش و اوباما تنها یک‌بار از این امتیاز برخوردار شده‌اند. این امتیاز به‌طور سنتی به اعضای خانواده سلطنتی و رؤسای کشورها یا رهبران دینی و علمی اختصاص می‌یافت. با این حال، در سال ۲۰۱۶، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به‌طور غیرمنتظره‌ای از این امتیاز بهره‌برداری کرد و به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور آمریکا، به‌طور رسمی به‌عنوان مهمان ویژه در جشنواره وینز وینز در لندن حضور یافت. این سفر، که در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶ برگزار شد، به‌عنوان یک رویداد تاریخی در روابط بین‌المللی ثبت شد.

یک‌بار از این امتیاز بر خوردار شدند.

▼

افراطی می‌تواند اتحاد اروپا را تضعیف کرده و مسائل کلان مانند مهاجرت، سیاست انرژی و همکاری اقتصادی را پیچیده‌تر کند. این شرایط، احتمال بازگشت به سیاست‌های ملی‌گرایانه و حتی سناریوهای جدایی احتمالی برخی کشورها از اتحادیه اروپا را افزایش می‌دهد؛ مشابه آنچه در برگزیت تجربه شد.

پیامدهای اروپایی و تهدید انسجام اتحاد به اروپا

پیامدهای رشد حزب راست‌گرای افراطی در آلمان فراتر از مرزهای داخلی است. آلمان، به عنوان موتور اقتصادی اروپا، هرگونه بی‌ثباتی سیاسی در این کشور، اثرات گسترده‌ای بر سیاست و اقتصاد اتحادیه اروپا دارد. افزایش قدرت آف‌آف می‌تواند فشار بیشتری بر سیاست‌های مهاجرتی اتحادیه وارد کند و مانع از پذیرش سیاست‌های یکپارچه در زمینه انرژی و رفاه اجتماعی شود. از سوی دیگر، این تحولات ممکن است انگیزه‌ای برای دیگر احزاب راست افراطی در فرانسه، ایتالیا و کشورهای شمال اروپا ایجاد کند تا خواستار محدودیت قدرت نهادهای اتحادیه اروپا و حتی سناریوهای استقلال ملی شوند. در کوتاه‌مدت، این مسئله به معنای افزایش تنش میان کشورهای عضو و دشواری در اتخاذ تصمیمات کلان برای بحران‌های اقتصادی و انسانی است. در بلندمدت، اتحادیه اروپا با چالش جدی انسجام و مشروعیت مواجه خواهد شد. تحلیلگران هشدار می‌دهند که اگر روند فعلی ادامه یابد، احزاب راست افراطی می‌توانند به بازبرگشت اصلی در سیاست اروپا تبدیل شوند و سیاست‌های پوپولیستی، ملی‌گرایانه و ضد مهاجرتی را در دستور کار قرار دهند.

در نهایت، موفقیت آف‌آف در آلمان نه تنها نتیجه نارضایتی داخلی است، بلکه محصول شرایط جهانی و تأثیرات سیاسی ترامپیسم است. این همگرایی بین سیاست داخلی و بین‌المللی، چشم‌اندازی جدید از خطرات راست افراطی و اثرات آن بر آینده اتحادیه اروپا ترسیم می‌کند؛ آینده‌ای که در آن انسجام سیاسی، اتحاد اقتصادی و سیاست‌های مهاجرتی ممکن است با چالش‌های جدی مواجه شود.

▼

نتایج تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» (آف‌آف) برای نخستین بار با کسب ۲۷ درصد آرا در صدر فهرست احزاب سیاسی آلمان قرار گرفته و از حزب حاکم دموکرات مسیحی پیشی گرفته است.

تأثیر ترامپیسم بر راست‌گرایی اروپایی؛ از آمریکا تا قلب اروپا

ظهور دوباره دونالد ترامپ در کاخ سفید در ۲۰۲۵، در کنار سابقه ترامپیسم از سال ۲۰۱۶، نقشی کلیدی در تقویت جریان‌های راست رادیکال در اروپا ایفا کرده است. این پدیده نشان می‌دهد که سیاست‌های پوپولیستی و ملی‌گرایانه دیگر محدود به یک کشور نیست و می‌تواند الگویی برای احزاب مشابه در سایر مناطق جهان، از جمله اروپا و آمریکای لاتین باشد.

در مورد آلمان، الهام‌گیری از مدل ترامپیستی با تاکتیک‌های رسانه‌ای، تمرکز بر امنیت و مهاجرت و شعارهای ساده اما جنجالی، موجب شده است که آف‌آف به سرعت در فضای سیاسی کشور نفوذ کند. در سطح اروپا، این روند نگرانی‌هایی جدی ایجاد کرده است؛ افزایش محبوبیت احزاب راست

فرش قرمز دربار بریتانیا برای مهمان جنجالی کاخ وینزرو

ترامپ زیر سایه تاج و تخت

دومین حضور یک رئیس‌جمهور آمریکا در دربار سلطنتی بریتانیا به تحکیم روابط دو متحد قدیمی می‌انجامد



سفر دوم ترامپ به بریتانیا تنها درباره قراردادهای اقتصادی یا تعرفه‌های فولاد نبود. این سفر تلاشی بود برای بازسازی تصویر لندن و واشینگتن به‌عنوان متحدانی قدرتمند در جهانی پر تنش؛ تصویری که می‌تواند مسیر روابط دو کشور را در سال‌های آینده تعیین کند

مسئله تعرفه‌های آلومینیوم و فولاد

دومین محور مهم این سفر، کاهش یا لغو تعرفه‌های سنگین آمریکا بر واردات فولاد و آلومینیوم بریتانیا بود. در حال حاضر، صادرات این دو محصول کلیدی به آمریکا با تعرفه ۲۵ درصدی مواجه است؛ تعرفه‌ای که اگرچه از نرخ ۵۰ درصدی برخی کشورها پایین‌تر است اما همچنان فشار سنگینی بر صنعت فولاد بریتانیا وارد می‌کند. این صنعت سال‌هاست با کاهش تقاضا و تعطیلی برخی کارخانه‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند و معافیت کامل از تعرفه‌ها می‌تواند فرصتی برای بازگشت به رقابت جهانی باشد.

لندن امیدوار بود ترامپ با نگاه تجاری و عملگرایانه خود موافقت کند، به‌ویژه که روابط نزدیک‌تر اقتصادی میان دو کشور می‌تواند برای هر دو طرف سودمند باشد. اما گزارش‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد که مذاکرات در این زمینه به نتیجه نرسید و فعلاً متوقف شده است. دلیل اصلی این بن‌بست، نگرانی واشینگتن از ورود ارزان قیمت فولاد

بریتانیا به بازار آمریکا و فشارهای داخلی صنایع آمریکایی عنوان شده است. با این وجود، کارشناسان معتقدند طرح این مسئله در دیدارهای سطح بالا، حتی اگر فعلاً بی‌نتیجه مانده باشد، گامی مهم برای آغاز گفت‌وگوهای بعدی است. برخی تحلیلگران بر این باورند که فشار افکار عمومی و لابی‌های صنعتی در بریتانیا می‌تواند مذاکرات را در آینده دوباره به جریان بیندازد، به‌ویژه اگر لندن امتیازات تجاری دیگری به آمریکا ارائه دهد. در هر حال، این موضوع تنها یک بحث اقتصادی نیست. موفقیت یا شکست در این پرونده می‌تواند بر جایگاه سیاسی دولت استارمر و همچنین بر تصویر همکاری لندن-واشینگتن در سطح جهانی اثر بگذارد.

حسین فاطمی
هفت صبح
سفر دوم و «بی‌سابقه» دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به بریتانیا در حالی انجام شد که خیابان‌های لندن صحنه اعتراضات گسترده علیه او بود. با این حال، در پس این اعتراض‌ها، اهداف عمیق‌تری نهفته بود که نه تنها بر روابط اقتصادی دو کشور، بلکه بر مناسبات سیاسی و حتی موقعیت بین‌المللی بریتانیا و آمریکا اثرگذار است. کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، این سفر را «تاریخی» توصیف کرد، زیرا امید داشت با استفاده از این فرصت سه پرونده کلیدی را پیش ببرد: تکمیل توافقی‌های تجاری ناقص با آمریکا، کاهش یا لغو تعرفه‌های سنگین بر فولاد و آلومینیوم و در نهایت، ترمیم روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور پس از مجموعه‌ای از بحران‌ها.

اهمیت این سفر از آن جهت پررنگ‌تر می‌شود که از سال ۱۹۵۲ تاکنون، تعداد دعوت‌های رسمی سلطنتی به رؤسای جمهور آمریکا به‌طور سنتی محدود بوده و حتی رؤسای جمهور برجسته‌ای همچون بوش و اوباما تنها یک‌بار از این امتیاز برخوردار شدند. بنابراین این دعوت دوم از ترامپ حامل پیام‌های سیاسی و اقتصادی عمیقی بود. در عین حال، اعتراضات خیابانی لندن نشان داد که بخشی از افکار عمومی بریتانیا با حضور او مخالف است و این سفر تنها یک رویداد تشریفاتی نبود، بلکه عرصه‌ای برای تعامل پیچیده میان سیاست داخلی، اقتصاد جهانی و دیپلماسی بود. در کل چنین به نظر می‌رسد که سه محور اصلی این سفر یعنی تکمیل توافقی‌های تجاری، چالش تعرفه‌های آلومینیوم و فولاد، و بازسازی روابط سیاسی و دیپلماتیک میان لندن و واشینگتن از اهداف کلیدی ترامپ برای سفر به لندن بوده است؛ اهدافی که هر یک می‌توانند در شکل‌دهی آینده همکاری‌های دو کشور نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

یادداشت

بحران اعتماد به احزاب سنتی و تکرار تاریخ در سیاست آلمان

سایه بلند راست افراطی در سرزمین بیسمارک

نارضایتی اقتصادی و سیاست‌های مهاجرتی، به افزایش محبوبیت راست افراطی منجر شده است



این افزایش حمایت، ریشه در نارضایتی گسترده اقتصادی و اجتماعی دارد. رکود اقتصادی، بیکاری بیش از سه میلیون نفر و عقب‌نشینی دولت از وعده‌های انتخاباتی مانند کاهش بهای برق و اصلاح نظام رفاهی، باعث شده که ۷۵ درصد مردم از عملکرد دولت مرتس ناراضی باشند. این شرایط، فضایی ایده‌آل برای رشد احزاب راست افراطی ایجاد کرده که وعده‌های ساده و مستقیم برای «بازگشت به قدرت ملی» و «حل مشکلات مهاجرت» ارائه می‌کنند. در این میان، آف‌آف توانسته با استفاده از نارضایتی عمومی، خود را به عنوان جایگزینی جذاب و رادیکال برای احزاب سنتی معرفی کند.

نتایج تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» (آف‌آف) برای نخستین بار با کسب ۲۷ درصد آرا در صدر فهرست احزاب سیاسی آلمان قرار گرفته و از حزب حاکم دموکرات مسیحی پیشی گرفته است. این تحول تنها یک تغییر عددی در عرصه سیاست نیست، بلکه نشانه‌ای از بحران اعتماد عمومی به نخبگان سنتی و سیستم دموکراتیک موجود است. در فاصله کوتاه هفت ماه، «آف‌آف» توانسته از ۲۰۸ درصد حمایت در انتخابات فوری به ۲۰۲۵ درصد برسد؛ رشدی که با کاهش محبوبیت حزب دموکرات مسیحی از ۲۸،۵ درصد به ۲۶ درصد هم‌زمان شده است.



ترامپ و تیغ سانسور

تعليق برنامه جیمي کیمدل در پی انتقاد از قتل چارلی کرک، نگرانی‌ها درباره سانسور راشعله‌ور کرد



گروه بین الملل | در طول بیش از دو دهه گذشته، جیمي کیمدل به سیاسی‌ترین و البته جسورترین مجری شبانه آمریکا بدل شده؛ جایی که تیغ تلوزنش و نقدهای صریحش، دل مخاطبانی را می‌رباید که دغدغه‌های اجتماعی را به جان خریده‌اند. کیمدل که یک دموکرات نیویورکی تمام‌عیار است، با زبان نیش‌دار و گزنده‌اش بر سیاست‌های جورج دبلیو بوش و دیک چنی تاخت و در انتخابات ۲۰۰۸، در کنار چهره‌هایی چون اپرا وینفری، نقشی کلیدی در پیشبرد کمپین باراک اوباما ایفا کرد. اما این دوران اول ریاست جمهوری ترامپ بود که کیمدل را به پرچمدار تسمخر بی‌وقه رئیس‌جمهور آمریکا بدل کرد و خشم ترامپ را برانگیخت، مردی که به تعبیر کیمدل به «پوست نازک نارنجی» شهره است. گزارش‌های رولینگ استونز فاش می‌کند که در سال نخست کاخ سفید ترامپ، کارکنانش مدیران دیزنی، یعنی مالک ای‌بی‌سی را تحت فشار گذاشتند تا شوخی‌های کیمدل را مهار کنند و تهدید به شکایت قضایی کردند. اما این فشارها نه تنها او را نترساند، بلکه شعله‌پلنزش را افزونی بخشید؛ موهایی هوجی ترابرامپ را به سخره گرفت و موج میم‌های ویروسی در توئیتر راه انداخت؛ کت‌وشلوارهای گشادش را بهانه‌ای ساخت برای تاختن به پنهانکاری‌هایش و حتی استوری دنیلز، بازیگر سابق فیلم‌های پورنوگرافی را به برنام‌اش دعوت کرد تا رسوایی رابطه پنهانی‌اش با ترامپ را با شوخی‌های تند و نیش‌گزنده‌اش برملا سازد. کیمدل نخستین کسی بود که روابط شکرآب دونالد و ملانیا ترامپ را علنی کرد و با شوخی گفت به احتمال فراوان، ملانیا از تماشای این برنامه از اتاق خواب جداگانه‌اش از خرد شدن غرور همسرش در قلاب تلویزیون و این برنامه لذت می‌برد.

در ادامه، جو بایدن هم برای نخستین حضور شبانه‌اش به عنوان رئیس‌جمهور، برنامه کیمدل را برگزید؛ جایی که کیمدل با کنایه‌ای به رسوایی ترامپ برسر ماجرای دزدیدن اسناد، از او پرسید «یا به نظر تو ترامپ آن‌ها را می‌سوزاند یا در توالت کاخ سفید می‌چاله می‌کند؟» این لحظات، «آخر شب با جیمي کیمدل ۵» را به مقصد نخست دموکرات‌های برجسته از اوباما که به اندازه برنامه الین دیجنرس در آن ظاهر می‌شد، تابایند و کاملاً هریس بدل ساخت؛ جایی که دموکراسی با خنده در هم می‌آمیزد. این ایستادگی در برینه، هفته گذشته به اوج رسید. ای‌بی‌سی تعلیق نامحدود «جیمي کیمدل لایو» را استادی پَس از حمله بردن کار، رئیس کمیسیون فدرال ارتباطات (FCC) و دست‌نشانده ترامپ، به حرف‌های دوشنبه شب کیمدل برسر ماجرای تور چارلی کرک اعلام کرد. سخنی که

ترامپ و «هانچمن‌هایش» را به بهره‌برداری سیاسی از تیراندازی مرگبار کسک در یوتا متهم می‌کرد. کرک، بنیانگذار گروه جوانان محافظه‌کار ترینگ پوینت، توسط تایلر رابینسون ۲۲ساله کشته شد؛ جوانی از خانواده جمهوری‌خواه که به گفته اسپنسر کاکس، فرماندار یوتا، به گرایش‌های چپ‌گرا تمایل یافته بود. مقامات هنوز انگیزه‌های اعلام‌نکرده‌اند. کیمدل ابتدا قتل را بی‌معنی خواند و پاسخ‌های زشت هر دو سوی سیاسی، از جمله شادی و پایکوبی برخی را برشمرد. اما در این برنامه، باند ماگارا متهم کرد که پیوندهای محافظه‌کارانه رابینسون و انکار می‌کنند تا این ترور را مصادره به مطلوب کنند. همین موجب شد تا ترامپ او در کمال ناپاوری تعلیق شود. ترامپ که سال‌ها از تیغ تیغ کیمدل زخم خورده بود، با شادی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «خبر عالی برای آمریکا: برنامه بی‌ارزش جیمي کیمدل لغو شد. تبریک به ای‌بی‌سی برای شجاعتش.» او البته دلخوش به این مقدار نشد و هم‌زمان خواستار حذف «مشب با جیمي فالون» و «آخر شب با ست مایرز» از ان‌بی‌سی شد. ترامپ در راه بازگشت از انگلیس، ترس از سانسور را کم‌اهمیت شمرد و تعلیق را به «استاندارد ضعیف» این برنامه‌ها نسبت داد. اما در هواپیمای ایرفورس وان تأکید کرد مجوزهای شبکه‌های منتقد «شاید» سلب شود! این رویداد، یادآور لغو برنامه اسفستن کولبرت توسط سی‌بی‌اس در ژوئیه است؛ تصمیمی که «مالی» خوانده شد هر چند که واقعیت نداشت و برای خوشامد ترامپ این تصمیم گرفته شد. بیل کارتر، تحلیلگر کهنه‌کار با بیش از ۴۰ سال تجربه در عرصه کمدی شبانه و صنعت تلویزیون، تعلیق کیمدل را نه تنها «بی‌سابقه» توصیف کرد، بلکه آن را «توهینی آشکار به قانون اساسی» دانست؛ او به دوران طلایی جانی کارسون، اسطوره‌ای که با طنز بی‌پروا به استقبال قدرت می‌شتافت و بدون کوچک‌ترین هراسی از

عکس روز

سنترال پرک، پناهگاه نوستالژی

قلب تپنده هواداران پرو پا قرص سریال «دوستان» در میدان تایمز نیویورک افتتاح می‌شود



نیویورک، شهری که خانه شش دوست صمیمی سریال «دوستان» بود، حالا میزبان نسخه واقعی کافه «سنترال پرک» خواهد بود. این کافه که از دل سیستم محبوب شبکه ان‌بی‌سی بیرون آمده، پاییز ۲۰۲۵ در قطاع خیابان هفتم و چهل و هفتم میدان تایمز افتتاح می‌شود و به گزارش «ورایتی»، با طراحی وام‌گرفته از سریال، از میل نارنجی نمادین گرفته تا منوی مملو از ارجاعات نوستالژیک، طرفداران را به سفری احساسی دعوت می‌کند. قهوه‌هایی با نام‌های «پیوت بلند» (Pivot Blend)، «حالت چطور؟» (How You Doin') و «ها تو به زنگ تفریح برای قهوه بودیم» (We Were on a Coffee Break) در کنار ساندویچ‌ها، سالادها و دسرها، همگی با الهام از دنیای «دوستان»، سرو می‌شوند. همچنین، کالاهای انحصاری این کافه، از جمله یادگاری‌های ویژه تایمز اسکوتر، برای طرفداران در دسترس خواهد بود.

جهان عاشق سنترال پرک

سریال «دوستان» که از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ در ۱۰ فصل و ۲۳۵ قسمت پخش شد، نه تنها یک پدیده فرهنگی بود، بلکه با میانگین ۲۵ میلیون بیننده در هر قسمت

نیویورک این فرصت را به ما می‌دهد تا این تجربه را در مقیاسی عظیم‌تر به نمایش بگذاریم.»

سایه غم چندلر بر افتتاحیه

افتتاح این کافه در حالی رخ می‌دهد که سایه فقدان متیو پری، بازیگر نقش چندلر بینگ، هنوز بسردل طرفداران سنگینی می‌کند. پری در اکتبر ۲۰۲۳ در ۵۴سالگی به دلیل عوارض ناشی از مصرف کتانین در گذشت و مرگ او موجی از اندوه را در میان هم‌پای‌هایش، آنیستون، کاکس، کودرو، شویمر و لیلانک و میلیون‌ها طرفدار ایجاد کرد. کافه پوستون در افتتاحیه‌اش با پخش آستین‌های قهوه با نقل قول‌های معروف چندنلر، ادای احترامی به او کرد و انتظار می‌رود هم‌پای‌های پری در بیانیه‌ای مشترک او را نه فقط یک همکار، بلکه عضوی از خانواده سریال توصیف کنند.

چرا سنترال پرک هنوز قلب‌ها را می‌باید؟

سنترال پرک فراتر از یک لوکیشن سریال بود؛ جایی بود که خنده‌ها، اشک‌ها و داستان‌های عاشقانه شش دوست شکل گرفت. از دعوای راس و راشل گرفته تا شوخی‌های بی‌پایان چندلر و جویی، این کافه به خانه دوم بینندگان تبدیل شد. طبق گزارش لوپر، میل نارنجی کافه چنان نمادین است که حتی بازیگران در پایان سریال، وسایلی مثل جعبه کلوچه ساعتی شکل که پری به کودرو هدیه داد را به یادگار بردند. حالا، با افتتاح این کافه در قلب منهتن، طرفداران می‌توانند خودشان روی آن میل بنشینند، قهوه‌ای با نام «حالت چطور؟» بنوشند و لحظه‌ای احساس کنند بخشی از دنیای «دوستان» هستند. این کافه نه تنها برای طرفداران قدیمی، بلکه برای نسل جدیدی که «دوستان» را از طریق استریمینگ پل لاندینو، مدیر اجرایی کافه، تجربه پوستون راه را برای مقیاس بزرگ‌تر نیویورک هموار کرد: «پوستون نشان داد که اشتیاق طرفداران برای سنترال پرک واقعی است و

آرنولد شواردزنرگ، غول اتریشی که جهان را زیر پا گذاشت، امروز در ۷۸سالگی شمع‌های تولدش را فوت می‌کند، مردی که از روستای فقیرنشین تال، قله‌های ورزش، سینما و سیاست را فتح کرد. همه‌چیز از ۱۵سالگی شروع شد: با بدنی لاغر، بدنسازی را در آغوش کشید و در ۲۰سالگی، عنوان مستر یونیورس را ربود. هفت بار تاج مستر المپیا را بر سر گذاشت و این ورزش را به امپراتوری میلیاردری امروز تبدیل کرد؛ ورزشی که الهامبخش میلیون‌ها جوان در سراسر دنیا شد. بعد از ورزش، آرنولد سراغ سینما رفت و هالیوود را به زانو درآورد. از «کوان بربر» باشمیرهای غول‌پیکر تا «ترمیناتور»، بر پرده نقره‌ای خاطره ساخت. اما سینما هم نتوانست او را متوقف کند و آرنولد به سراغ جهان سیاست رفت و از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱، فرماندار کالیفرنیا شد؛ جنگل‌ها را نجات داد، قوانین سبز را جوشاند و عضلات آهنینش را به قدرت برای اعمال سیاسی تبدیل کرد. حالا، پدر پنج فرزند و پدر بزرگ سه نوه، با کتاب‌ها و پادکست‌هایش جهان را به چالش می‌کشد. آرنولد یک قهرمان توقف‌ناپذیر است.

بنگه دنیا

زن‌جیرهای نامرئی به پای عمو سام

نگاهی به ۵ غول خارجی که بیشترین طلب از آمریکا را در جنگ دارند



رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

بدهی ملی ایالات متحده، این غول خاموش که از کسری بودجه فدرال زاده شده، حالا به نقطه‌ای رسیده که بیش از نیمی از آن، حدود ۶۳.۹۲ تریلیون دلار، در دست عمو سام است. دولت آمریکا برای جبران تفاوت میان درآمدهای مالیاتی و هزینه‌های هفتگت دفاع، رفاه و بهره، اوراق قرضه صادر می‌کند. از این میان، کشورهای خارجی نقش کلیدی دارند و طبق داده‌های وزارت خزانه‌داری تا جولای ۵۲۰۲، پنج قدرت برتر را ژاپن، بریتانیا، چین، جزایر کایمن و کانادا تشکیل می‌دهند. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها ثبات دلار را تضمین می‌کنند، بلکه زن‌جیرهای از وابستگی‌های اقتصادی را رقم زده‌اند، جایی که آمریکا بدهکار است و این کشورها طلبکار و این می‌تواند در بحران‌های جهانی، مانند جنگ تجاری یا کرود، به اهرمی سیاسی تبدیل شود.

ژاپن: سلطان شرقی

ژاپن با ۳۱.۱ تریلیون دلار اوراق خزانه، رکورددار خارجی‌هاست و بیش از ۰۱ درصد کل بدهی خارجی را پوشش می‌دهد. این کشور که اقتصادش بر پایه صادرات بنا شده، از اوراق آمریکا به عنوان پناهگاهی امن برای ذخایر ارزی ۳.۱ تریلیون دلاری‌اش بهره می‌برد، یعنی آمریکا به ژاپن ۳۱.۱ تریلیون دلار بدهکار است و ژاپن طلبکار قدرتمندی در واشنگتن به شمار می‌رود. کاهش نرخ بهره در ژاپن و پیروی جمعیت، سرمایه‌گذاران توکیو به راه سمت واشنگتن سوق داده است. جالب است بدانید که بانک مرکزی ژاپن (JOB) بزرگ‌ترین خریدار این اوراق است و این طلب، به ژاپن کمک کرده تا این ضعیف بماند و توپو تا و سونی را در بازارهای جهانی رقابتی نگه دارد. اما اگر ژاپن روزی تصمیم به فروش بگیرد، می‌تواند بازارهای مالی را به لرزه درآورد.

بریتانیا و چین: رقبای برنقوذ

بریتانیا با ۴.۹۰۸ میلیارد دلار در رتبه دوم قرار دارد. سرمایه‌گذاری در این کشور به بحران اقتصادی پس‌ابزرگ‌یت گره خورده و لندن را به عنوان هاب

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



ایستگاه ۲۷: فیلم جدید اسکورسیزی با حضور دی‌کاپریو و لارنس!



مارتین اسکورسیزی، غول افسانه‌ای هالیوود، پس از ماه‌ها کلتنار با پروژه‌های جنجالی، بالاخره بیست و هفتمین فیلم بلند داستانی‌اش را انتخاب کرد: «آنچه در شب اتفاق می‌افتد» (What Happens at Night)، اثری نفسگیر که اوایل ۲۰۲۶ زیر پرچم ابل و استودیو کانال کلید می‌خورد. این درام هیجان‌انگیز، اقتباسی از رمان پرماجرای پیتز کامرون به قلم پیتز ماربو، زوجی آمریکایی را به دل یک شهر کوچک و یخ‌زده اروپایی می‌برد، جایی که در هتل مجلل‌شان با سایه‌های شوم روبه‌رو می‌شوند: خواننده‌ای مرموز، تاجر خبیث و در مانگ‌ری حیل‌گر که مرز بین واقعیت و توهم را محو می‌کند. اسکورسیزی که ابتدا فقط تهیه‌کننده بود، حالا خودش پشت دوربین می‌نشیند، تصمیمی که بعد از اتمام «قاتلان ماه گل» با باستر گانی چون دی‌کاپریو، رابرت دنیرو و لیلی گلدستون و نامزدی امی برای سریال «استودیو» شکل گرفت. پروژه‌های جاه‌طلبانه‌ای مثل «زندگی مسیح» و «سیناترا» که اسکورسیزی سال‌ها منتظر آنهاست، همچنان در قفسه خاک می‌خورند اما این بازگشت اسکورسیزی به ریشه‌های روانگر دانش، وعده یک بمب اکشن-دراماتیک را می‌دهد.

علی صفری، نویسنده نمایش «ایفل» از علل نوشتن داستان جهان شمول‌اش می‌گوید

مهاجرت بی نتیجه، نمایش مهاجرت‌شد

نمایش «ایفل» تنها مسئله رفتن یا نرفتن نیست

مخاطب با چالش‌های چندبعدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی که پس از مهاجرت با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، بر خورد می‌کند

علی صفری، نویسنده نمایشنامه «ایفل» در کنار همسرش کاری مر تبط با مهاجرت روی صحنه برده‌اند. نمایشی که از یک مهاجرت شکست‌خورده بر آمد. آنان مصائب مهاجر نشان که هیچ‌وقت انجام نشد را روی صحنه بردند تا مخاطب را همراه تجربه‌هایشان بکنند و به سوالاتشان در خصوص مهاجرت پاسخ دهند. او با چالش و تجربه‌های متفاوتی که در مهاجرت ناکامش تجربه کرده، داستانی از مهاجرت نوشته که امروز بسیاری از مردم ایران و حتی جهان به آن فکر می‌کنند. صفری معتقد است همین تجربیات به باور پذیری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جهان که در نمایش او به تصویر کشیده شده است بسیار کمک کرده؛ او در مقام یک مهاجر به تمام مصائب پرداخته و مخاطب را در مقابل سوالاتی بیشتر از رفتن یا ماندن قرار داده است.



داستان مهاجرت شکل می‌گرفت. پس من از حضور بازیگران برای پیشبرد این ماجرا کمک گرفتم. درواقع از شناخت و همراهی‌ای که میان بازیگران یک نمایش در طول تمرین‌ها ایجاد می‌شود و شخصیت واقعی بازیگران در دنیای واقعی برای پیشبرد داستان و تقویت شخصیت‌های «رها» و «آوا» استفاده کردم تا نمایش داستانی واقعی برای مخاطب بازگو کند.

«تجربه غم و تنهایی شخصیت‌ها را چطور در ذهن و باور مخاطب باورپذیر کردید؟ وقتی جهان انسان‌ها در لطف‌همراه خلاصه می‌شود و تنها راه ارتباط‌شان با جهان از همین یک راه است، مفاهیم مشترک دیگری بین‌شان به وجود می‌آید که نتیجه فاصله‌هاست و باعث درهم تنیدگی فرهنگ‌ها می‌شود. این تنهایی بخشی از زندگی همه مردم جهان است و هر کسی در گوشه‌ای از این جهان آن را به شکلی زندگی می‌کند. از سوی دیگر تفاوت زندگی فعلی انسان بسیاری از مفاهیم را دچار تغییر کرده است. از جمله قضاوت کردن دیگران که حالا ناممکن است؛ به همین خاطر در متن کوشیدم شخصیت‌های «آوا» و «رها» را مورد قضاوت قرار دهم و حتی تمهیداتی در نظر بگیرم که مخاطب نیز آنها را قضاوت نکند. به همین خاطر زمانی که مخاطب به خودش رجوع می‌کند متوجه می‌شود که او نیز مانند شخصیت‌های این نمایش، انتخاب‌ها، اشتباهات و پیروزی‌هایی داشته که حاصل نگاه و باور خودش بوده است.

«برون‌ریزی شخصیت‌ها در روند شکل گرفتن داستان یکی از عناصر مهم است که روایت را پیش می‌برد. این نگاه تأکیدی‌تان در نمایشنامه بود؟

برون‌ریزی شخصیت‌ها در ازای روبه‌رو شدن در موقعیت‌ها، بیشتر متوجه نگاه کارگردان است. در نمایش «ایفل» به واسطه تعاملی که اثر در هر شب اجرا با مخاطب داشت و واکنش‌های متفاوتی دریافت می‌کرد، برون‌ریزی متفاوت و هرشب بیشتر در خدمت نمایش قرار گرفت.

«مهاجرت مقوله‌ای فراگیر و جهانی ست که آدم‌ها تجربه‌های متفاوتی از آن دارند. آیا ساختار جهان متن که از مسئندتات زندگی شخصی خود‌تان بازگو می‌شود به باورپذیری بیشتر مخاطب کمکی می‌کند؟ اگر تجربه زیست در خارج از کشور و زندگی طولانی‌مدت در شهر رشت را نداشتیم، بسیاری از مواردی که در متن مطرح کرده‌ام برایم معنایی نداشت. تخیل عنصر خوبی است برای باورپذیری، اما هنرمند نیازمند زیست، تجربه و مشاهده است که کمک زیادی به جلب‌نظر مخاطب خواهد کرد.

پس قطعاً این تجربه زیست فردی‌ام و داستان‌هایی از دنیای واقعی که باید در مواجهه با مهاجرت به باورپذیری مخاطب نمایش هم بسیار کمک کرده است.



«ایده نوشتن متن نمایش «ایفل» چگونه شکل گرفت و چرا سراغ موضوع مهاجرت رفتید؟

من و همسرم قصد مهاجرت داشتیم اما به دلایلی این امر ممکن نشد. در گذشته هم برای اجرای نمایشی به چند کشور سفر کرده بودیم، در آن زمان کوتاه‌مدت که تجربه‌ای از مهاجرت داشتیم، با چالش‌های غربت و سختی‌های زیست در شرایط متفاوتی مواجه شده بودیم. ما حتی در بازه زمانی کوتاهی به رشت مهاجرت و آنجا زندگی کردیم، تجربه مهاجرت داخلی را هر پشت سر گذاشته بودیم. تمام این پیش‌آمدها و تجربه‌ها که سختی‌ها و چالش‌های خودشان را داشتند، سبب شد ایده و دغدغه یکی از پیرنگ‌های مهم امروز یعنی مهاجرت در ذهنم شکل بگیرد تا آن را در متنی به نگارش درآورم. متنی که هیچ‌گونه قضاوتی درباره مهاجرت نداشته باشد، پس سعی کردم تجربه‌های شخصی‌ام را به صورت جهان‌شمول به تصور بکشم.

«مهاجرت چه دغدغه‌های متفاوتی پیش رویتان گذاشت که با مخاطبان در نمایش «ایفل» به اشتراک گذاشتید؟ نمی‌توان به مهاجرت فکر کرد و دغدغه‌های انسانی، اجتماعی و فرهنگی آن را نادیده گرفت. از نگاه فرهنگی، وقتی به عنوان هنرمند مهاجرت می‌کنید، شاید در سال‌های ابتدایی آثار توریستی ارائه دهید، اما اگر به صورت دائم در کشوری جز کشور خود بمانید مجبور می‌شوید خودتان را با فرهنگ آنجا تطبیق بدهید، پس باید با تعبیر جدیدی آشنا شوید. این تنها یک بعد مهاجرت است، به همین خاطر، زمانی که مخاطب به تماشای نمایش «ایفل» می‌نشیند تنها با مسئله شخصی رفتن یا نرفتن به عنوان ملاک و شاخص موضوع روبه‌رو نمی‌شود، روایتی از شرح چالش‌هایی که در ابعاد مختلف این‌اتفاق پیش‌رویش قرار می‌گیرد را خواهد دید. مقوله مهاجرت برای مخاطب، عنوان ملموسی است. تنها برای پرداختن به آن باید سراغ تبعات متفاوتی رفت که مهاجرت جز تصمیم به زندگی در خارج از کشور ایجاد می‌کند. روایت‌هایی از این تبعات که در دنیای واقعی وجود دارد، جهان‌شمول است و روایت‌شان به مخاطب تلنگر می‌زند.

«خرده پیرنگ‌های فراوانی حول موضوع اصلی استفاده کردید. این قوت بخشی به شخصیت پردازی کاراکترها بوده است؟ پیرنگ اصلی مهاجرت است اما اگر دارای گوشه‌واره یا خرده‌پیرنگ‌های دیگری نباشد شاید نتواند تنه اصلی را به خوبی به مخاطب نشان بدهد. متن این نمایش، دارای خرده‌پیرنگ‌های فراوانی است؛ همان چالش‌های چندبعدی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که فرد پس از مهاجرت با آن‌ها روبه‌رو می‌شود. تمام این چالش‌ها که در خرده‌پیرنگ‌های نمایشنامه وجود دارد در شخصیت «آوا» که موفق به مهاجرت می‌شود و شخصیت «رها» که موفق به این امر نمی‌شود به تصویر درآمده است.

«برای شخصیت پردازی کاراکترها چه ویژگی‌هایی را پررنگ کردید تا برای مخاطب باورپذیر شوند؟ این‌نمایش یک درام مستند است، داستان‌هایی از دنیای واقعی که باید در کش و واکنش کاراکترها و مخاطب حول



آوا گنجی از بازی در نقش آوای نمایش «ایفل» و رسیدن به دنیای تازه‌می‌گوید

هر جابرویم ریشه در این خاکیم

آوا گنجی، بازیگر نقش آواست. با وجود اینکه معتقد است داستان آوا با داستان او متفاوت است. او هم شاید مثل آوا به مهاجرت اندیشیده باشد؛ گنجی می‌گوید جغرافیایی که ما در آن زیست می‌کنیم همه را یکبار به فکر مهاجرت انداخته است. آوای واقعی داده‌هایی از واقعیت شکل گرفته‌اند. پس چیز غلو شده‌ای در نمایش نمی‌بینید. برون‌ریزی، احساسات و هر چه از بازیگران شاهد هستند براساس جزئیاتی است که بر پایه واقعیت شکل گرفته و مخاطب آن را یا تجربه کرده یا در اطرافیان‌ش دیده است.

تجربه بازی در این نقش چه تأثیری در نگاه‌تان نسبت به موضوع مهاجرت داشت؟ مهاجرت، عنوان سنگینی است. بیشتر انسان‌ها به آن فکر می‌کنند، یا آنکه می‌دانند شرایط بعد از رفتن نامشخص است. تصورم این است ما هر کجای دنیا که برویم ریشه ما در این خاک است و ایران برایمان بسیار ارزشمند، دوست‌داشتنی و هویتش پابرجاست.

شخصیت آوا کجا شکل گرفت، در تمرین‌ها یا روی صحنه نمایش؟

تمرین در پلاتو به پرداخت بهتر شخصیت کمک می‌کند. فضای عاری از نور، دکور و موسیقی که کمک می‌کند تمام سختی‌های رسیدن به نقش با تمرکز از بین برود و نتیجه حاصل شود. اما در زمان اجرا بازیگر وارد جهانی دیگری می‌شود که نور، صحنه و موسیقی وجود دارد. صحنه پر نور با حضور مخاطب که همه توجه‌اش به اوست شرایط را متفاوت می‌کند. بازیگر، کارگردانی و تمام اجزای صحنه در این دنیای متفاوت مقابل مخاطب در کنار هم به پیشبرد نمایش کمک می‌کند. البته تعامل و مواجهام با متن نمایشنامه به خوبی پیش رفت و همچنین ارتباط خوبی با آن برقرار کردم. البته نوع روبه‌رو شدن با مخاطب در هر شب اجرا در ازای باز خوردی که از پاسخ یا واکنش‌هایشان دریافت می‌کنم متفاوت بود و بسیار به بروز هر چه بهتر نقش کمک کرد.

ایجاد تعامل با کارگردان که بازیگر دیگر این نمایش است چه مزایایی جهت ایفای بهتر نقش‌تان داشت؟ آشنایی با نویسنده و کارگردان نمایش «ایفل» از قبل، تعامل خوبی را برایمان همراه داشت. درک زبان، گفتار و مقصود کارگردان در این اثر برایم بسیار قابل فهم بود. در نتیجه باتوجه به تعامل مشترک بازیگر با نویسنده و کارگردان و بالعکس، این نمایش با تمام تلاش‌ها و سختی‌ها روی صحنه رفت و به نظر موفق شد تا دغدغه خودش را به مخاطب نشان دهد.

آوا» یا آوا تضاد و تفاوت‌های فاحشی داشت تا شما را برای تصویرش روی صحنه و مقابل مخاطب به چالش بکشد؟

در زندگی واقعی‌ام بارها خودم را به جای آوا قرار داده‌ام



بزرگ‌ترین مشکل هر گروه نمایشی، تامین هزینه‌های مالی است. گرچه این‌روزها تهیه‌کنندگان هزینه‌یادی برای تولیدفیلم‌های سینمایی کم‌دی بی‌محتوا و سریال‌های نمایش خانگی می‌کنند، اما به وقت تولید نمایش، موانع زیادی سر راه سبزی می‌شود؛ فروش و بازگشت سرمایه در اولویت قرار می‌گیرد. بسیاری از تهیه‌کننده برای تولید نمایش می‌گویند، نمی‌دانیم نمایش می‌فروشد یا نه؟

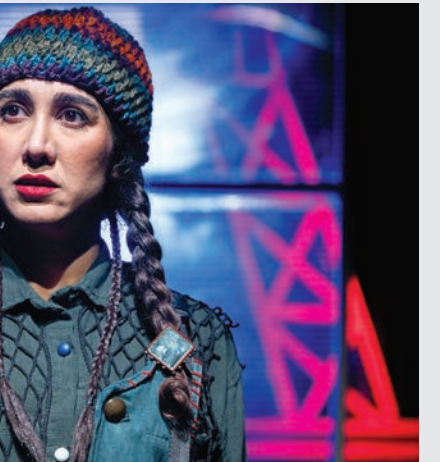
اولین برداشت‌تان از شخصیت «آوا» چه بود؟ گویا بسیاری از خصوصیات رفتاری و خلق و خوی این شخصیت برحسب شخصیت واقعی‌ام طراحی شده بود، اما اتفاقی‌هایی که او در زندگی‌اش تجربه کرده، تجربه شخصی من نبود. البته موضوع مهاجرت در جغرافیایی که در آن زندگی می‌کنیم بسیار رخ می‌دهد و احتمالاً همه ما به آن فکر کرده‌ایم. همه در اطرافمان، کسانی را داشته‌ایم که مهاجرت کرده‌اند و یا این تصمیم را داشته‌اند، کسانی که نه به آن فکر کرده‌اند و نه رفته‌اند و تعریف دیگری از آن برای خود داشتند.

برای درک بهتر شخصیت، سراغ تحقیق رفتید؛ پیش‌تر با کسانی که قصد مهاجرت داشته باشند مواجه شده بودید؟ بسیاری در مواجهه با موضوع مهاجرت، تجربه دوگانهای دارند؛ ماندن درست است یا رفتن؟ این سوال را پیش‌تر می‌دانستم و برای تصویر شخصیت آوا به شکلی درست، شروع به تحقیق کردم. از اطرافیانم که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند یا تجربه مهاجرت را داشتند پرس‌وجو کردم. داستان‌های متفاوتی شنیدم، تجربه‌هایی که نه فقط برای ایفای نقش آوا که در زندگی واقعی‌ام نیز به کمک آمد.

آوا» یا آوا تضاد و تفاوت‌های فاحشی داشت تا شما را برای تصویرش روی صحنه و مقابل مخاطب به چالش بکشد؟ برای درک بهتر شخصیت، سراغ تحقیق رفتید؛ پیش‌تر با کسانی که قصد مهاجرت داشته باشند مواجه شده بودید؟ بسیاری در مواجهه با موضوع مهاجرت، تجربه دوگانهای دارند؛ ماندن درست است یا رفتن؟ این سوال را پیش‌تر می‌دانستم و برای تصویر شخصیت آوا به شکلی درست، شروع به تحقیق کردم. از اطرافیانم که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند یا تجربه مهاجرت را داشتند پرس‌وجو کردم. داستان‌های متفاوتی شنیدم، تجربه‌هایی که نه فقط برای ایفای نقش آوا که در زندگی واقعی‌ام نیز به کمک آمد.

آوا» یا آوا تضاد و تفاوت‌های فاحشی داشت تا شما را برای تصویرش روی صحنه و مقابل مخاطب به چالش بکشد؟ برای درک بهتر شخصیت، سراغ تحقیق رفتید؛ پیش‌تر با کسانی که قصد مهاجرت داشته باشند مواجه شده بودید؟ بسیاری در مواجهه با موضوع مهاجرت، تجربه دوگانهای دارند؛ ماندن درست است یا رفتن؟ این سوال را پیش‌تر می‌دانستم و برای تصویر شخصیت آوا به شکلی درست، شروع به تحقیق کردم. از اطرافیانم که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند یا تجربه مهاجرت را داشتند پرس‌وجو کردم. داستان‌های متفاوتی شنیدم، تجربه‌هایی که نه فقط برای ایفای نقش آوا که در زندگی واقعی‌ام نیز به کمک آمد.

آوا» یا آوا تضاد و تفاوت‌های فاحشی داشت تا شما را برای تصویرش روی صحنه و مقابل مخاطب به چالش بکشد؟ برای درک بهتر شخصیت، سراغ تحقیق رفتید؛ پیش‌تر با کسانی که قصد مهاجرت داشته باشند مواجه شده بودید؟ بسیاری در مواجهه با موضوع مهاجرت، تجربه دوگانهای دارند؛ ماندن درست است یا رفتن؟ این سوال را پیش‌تر می‌دانستم و برای تصویر شخصیت آوا به شکلی درست، شروع به تحقیق کردم. از اطرافیانم که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند یا تجربه مهاجرت را داشتند پرس‌وجو کردم. داستان‌های متفاوتی شنیدم، تجربه‌هایی که نه فقط برای ایفای نقش آوا که در زندگی واقعی‌ام نیز به کمک آمد.



گفت‌وگو با رها حاجی‌زینل، کارگردان و بازیگر نمایش «ایفل»

مخاطب باید خودش را در نمایش ببیند

سعی کرده‌ام در نمایش‌هایم از شعارزدگی و غالب کردن محتوا بپرهیزم تا مخاطب بخشی از دغدغه‌های ذهنی خودش را در قالب نمایش من ببیند

در روزگاری که تناتر بیش از هر زمان دیگری به روایت‌های انسانی و چندصدایی نیاز دارد، انتخاب موضوع مهاجرت، پرداختن به یکی از دغدغه‌ها و نیازهای امروز جامعه است. نمایش «ایفل» با کارگردانی و بازی رها حاجی‌زینل، نویسنده‌گی علی صفری و حضور آوا گنجی به عنوان بازیگر، یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین تجربه‌فردی و جمعی امروز را دستمایه قرار داد و تلاش کرد فاصله و دلتنگی حاصل از مهاجرت را در بازخوانی‌ای مختص جهان معاصر در روایتی چندلایه بر صحنه تصویر کند. در گفت‌وگو با سسه ضلع اصلی اجرا، سراغ تصویری که از مهاجرت در این نمایش نشان داده شد رفقیم و تلاشی که مخاطب را مقابل پرسش رفتن یا ماندن قرار می‌داد را از زبان عوامل نمایش جویا شدیم. رها حاجی‌زینل از دغدغه‌های کارگردانی و تجربه همزمان ایفای نقش گفت، علی صفری از نوشتن متنی که در درامی مستند است حرف می‌زند و آوا گنجی نیز به تجربه بازی در نقشی که میان ظرافت و دغدغه زیست می‌کند، اشاره دارد.

کیارش وفانی روزنامه‌نگار

«چه چیز شما را ترغیب کرد تا سراغ کارگردانی نمایش «ایفل» بروید؟ طی چند سال گذشته بسیاری از دوستانم با وجود شرایط بسیار سخت و تنها با هدف زندگی بهتر، مهاجرت کردند؛ هیچ دلیلی نمی‌توانست مانع رفتن آن‌ها شود. از طرفی در شغل دیگرم جز بازیگری و کارگردانی، آموزگاری که به آموزش هنر به بچه‌های دهه‌های شصت و هشتاد می‌پردازیم با بچه‌هایی روبه‌رو می‌شوم که دغدغه زندگی بهتر دارند و سوال‌شان این است که سرانجام این آموزش‌ایشان چیست؟ علاوه بر این دو، تجربه زیست در خارج از کشور که به واسطه اجرای نمایشی آنجا حضور داشتم؛ تفاوت تعریف هنر را دیدم. تهیه‌کنندگان آنجا برحسب توانایی یک گروه نمایشی با آنها برخورد می‌کنند، اما در اینجا ابتدا تهیه‌کننده تئاتر به بازگشت سرمایه‌اش فکر می‌کند. همه این موارد مرا به فکر اجرایی درباره مهاجرت انداخت.

«در طراحی میزانسن صحنه‌ها چطور به فاصله و تنش‌های هر شخصیت کمک کردید تا تأثیرگذاری داستان‌تان را بیشتر کنید؟ اجرای نمایش به شیوه تک‌گویی، ممکن است مخاطب را خسته کند و پراگویی بازیگر را تحمل نکند. پس طراحی صحنه را برای جذب مخاطب انتخاب کردم. در پرده اول تلاش‌م آن بود شور و هیجان و فضای جغرافیایی خارج کشور ترسیم شود و در پرده دوم موقعیتی خودمانی را نشان دهم که معرف جامعه امروز ما باشد. پس در هر دو فضا از رنگ و طراحی لباس متفاوت استفاده کردم. درواقع نمی‌خواستم تکرار کنش‌ها، فضای نمایش و طراحی صحنه ثابت باعث احساس خستگی در مخاطب شود. پس در طراحی صحنه، نور و لباس، موقعیت‌ها را این‌طور در نظر گرفتم که وقتی دو بازیگر در موقعیت بعد از تماشای نمایش برایش ایجاد شود، چه بود؟

ایکده وقتی مخاطب از سالن بیرون می‌رود از خودش بیرسد بازیگران زندگی خودش را روایت کردند یا قصه‌ای را به نمایش گذاشتند؟ مهم‌ترین سوال این است، رفتن درست است یا ماندن؟ چالشی که در هر دو پرده نمایش وجود دارد.

«ترکیب سازه‌های برج آزادی و ایفل تنها به عنوان نمادهای اصلی مهاجرت انتخاب شد؟ برج ایفل را شخصی به نام «ایفل» به واسطه علاقه‌اش به یک زن طراحی کرد و ساخت. بخشی از روایت که از عشق و انتظار حرف می‌زند با این نماد همراه بود. برج آزادی برای ما جهانی از نوستالژی دارد. در پرده دوم که داستان ایستادگی شخصیت زن نمایش در مقابل سختی و مشکلات را می‌بینیم از آزادی به عنوان نمادی از حضور زنان در اتفاق‌های علمی، ورزشی، شغلی و... استفاده کردیم.

«روی صحنه بردن نمایشی که به واسطه نویسنده‌گی همسرتان از ابتدای نگارش نمایشنامه‌اش در بطن آن قرار دارید، حتما تفاوت تعادل بین فضای واقعی و فضای خلاق اثر کمک کرده و درنهایت نمایشی باورپذیر برای مخاطب رقم زده است. درواقع همیشه سعی کرده‌ام در نمایش‌هایم از شعارزدگی و غالب کردن محتوا بپرهیزم. در عین حال همیشه تلاش‌م این بود که مخاطب بخشی از دغدغه‌های ذهنی خودش را در قالب نمایش من ببیند. پس به نمایش واقعیت می‌پردازم و





گزارش میدانی از بازارهای نوشت افزار، شمال تا جنوب تهران

شهریور؛ زنگ حساب و کتاب والدین

در آستانه باز گشایی مدارس، شادی بچه‌ها و فشار مالی والدین در هم می آمیزد و به نقطه مشترک همه خانواده‌ها تبدیل می شود

حمیده عبدالهی
هفت صبح

هوای آخر تابستان با بوی دفتر نو و رد خودکارهای تازه بار شده بر صفحات کاغذ گره خورده است. در پیاده‌روها رنگین‌کمانی از کیف‌های مدرسه، جامدادی‌های براق و مدادهای تراش خورده روی بساط مغازه‌ها و دست‌فروش‌ها چشم هر رهگذری را می‌گیرد. خانواده‌ها با حساب و کتاب‌های متفاوت در رفت‌وآمد میان ویت‌رین‌ها، دستفروش‌ها، مغازه‌ها آماده می‌شوند تا

فرزندانشان با دست پر وارد کلاس‌های تازه شوند. در این هیاهوی رنگ و کاغذ، کودکان با شور و شوق دستانشان را به سمت دفترهای طرح‌دار و کیف‌های پرزرق‌وبرق دراز می‌کنند، در حالی که نگاه والدین بیشتر روی برچسب‌های قیمت می‌چرخد. برخی با ماشین‌حساب ذهنی سعی می‌کنند دخل و خرجشان را هماهنگ کنند و برخی دیگر بی‌مکت انتخاب فرزندشان را می‌پذیرند.

این تضاد میان ذوق کودکان و حسابگری بزرگ‌ترها، صحنه‌ای آشنا از روزهای پایانی تابستان است. صحنه‌ای که هر سال با آغاز



طبقه متوسط اینجا پرسه می‌زنند. آن‌ها معمولاً به دنبال تعادلی میان کیفیت و قیمت‌اند. دختر نوجوانی با هیجان یک دفتر ۱۰۰ برگ جلد سخت را برمی‌دارد و به مادرش نشان می‌دهد: مامان اینو می‌خوام. فروشنده با لبخند می‌گوید: این مدل ۸۰ هزار تومنه، ولی دوامش عالیه. مادر نگاهی به قیمت می‌کند و بعد دفتر دیگری را تایی برند داخلی حدود ۱۵۰ هزار تومان. کیف‌ها هم انتخاب‌های گسترده‌تری دارند: از کیف‌های پارچه‌ای مقاوم یک میلیون تومانی گرفته تا کوله‌های برند داخلی دو میلیون تومانی. در گوشه‌ای از مغازه، پدر و پسر مشغول انتخاب کیف هستند. پسر کیف اسپرتی با طرح فوتبالی را پسندیده اما پدر بعد از دین بر چسب قیمت ۸۰ میلیون تومانی، مکث می‌کند. فروشنده بلافاصله وارد می‌شود که «این کار موندگار، سه سال استفاده کنه، سالم می‌مونه. پدر با تردید کارت بانکی‌اش را در دست می‌گیرد.» لباس فرم در میانه‌شهر معمولاً از پارچه‌های مرغوب‌تر دوخته می‌شود. قیمت‌ها از ۸۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا حدود ۲۰۱ میلیون تومان بالا می‌رود. مادر یکی از دانش‌آموزان می‌گوید: دوست دارم لباس بچه‌هام مرتب باشه، ولی واقعا فشار میاد. امسال تصمیم گرفتم لباس‌ها رو یک یک بزرگ‌تر بگیرم تا شاید سال بعد هم بشه پوشید.»

الهیة تا تجربه

در پاساژهای لوکس شمال تهران، مثل مراکز خرید الهیه یا تجریش، حال‌وهوای خرید مدرسه

۷

نزدیک بازگشایی مدارس، شهرداری‌ها یا برخی نهادهای جشنواره‌های عرضه مستقیم لوازم تحریر بر گزار می‌کنند. در این نمایشگاه‌ها وعده داده می‌شود که اجناس با قیمت مناسب تر و کیفیت تضمین شده به دست مردم برسد. اما تجربه بسیاری از خانواده‌ها نشان می‌دهد واقعیت کمی متفاوت است. تنوع کالاها محدود است، بعضی اجناس کیفیت پایینی دارند و قیمت‌ها هم تفلاوت چندانی با مغازه‌ها نمی‌کند. یکی از مادران می‌گوید: رفتم نمایشگاه مدرسه‌ای نزدیک خونه، ولی هم شلوغ بود هم اجناس خیلی بی‌کیفیت. بسه کیف گرفتم، هر ماه بیشتر دوام نیاورد. دیگه تصمیم گرفتم همون از بازار بخرم.

پدری دیگر هم اضافه می‌کند: جشنواره‌ها بیشتر جنبه تبلیغاتی دارن. وقتی حساب می‌کنیم، می‌بینیم همون قیمت‌هاس.ت فروشنده‌های لوازم تحریر هم اما حرف‌هایی دارند نشنیدنی. منوچهر که صاحب یکی از لوازم تحریر فروشی‌های قدیمی شرق تهران است در گفت‌وگو با «هفت صبح» می‌گوید: هر سال وضعیت فروش ما بدتر از سال قبل می‌شود. حالا به جای کیفیت باید حواسمان به قیمت باشه. برای همین بیشتر جنس‌هایی را می‌آوریم که والدین قدرت خرید آن را داشته باشند.

وی با بیان اینکه حاشیه سود فروش لوازم تحریر هم کم شده است می‌گوید: حاشیه‌های سود به شدت کمتر شده است. چون مردم باید توان خرید داشته باشند. موضوع این است که همه چیز به هم وصل است. وقتی تورم نجومی باشد و حقوق کارمند و کارگر پایین، پدر هم نمی‌تواند سهم زیادی از درآمدش را برای خرید وسایل مورد نیاز فرزندش بگذارد. نتیجه این می‌شود که هم جنس‌های ارزان می‌خرد و هم تعداد کمی می‌گیرد. یعنی مثلاً اگر قبلاً اول سال کلی دفتر و مداد و مدادرنگی و... می‌خريد حالا از هر کدام یکی دو تا بیشتر نمی‌خرد. در یک کلام می‌توان گفت که بازار خراب است. آنهم چه خرابی!

می‌شوند، در برخی سایت‌ها تا ۹۰ هزار تومان برچسب خورده‌اند. یا کوله‌پشتی‌های داخلی که باید یک میلیون باشند، در فروش اینترنتی با عنوان فول وارداتی نزدیک به دو میلیون قیمت‌گذاری می‌شوند. با این حال، خرید آنلاین همچنان مشتریان خودشان را دارد. خانواده‌هایی که برای صرفه‌جویی در وقت یا جلوگیری از شلوغی بازار، در ترجیح می‌دهند چند کلیک ساده انجام دهند. مادری که دو فرزند دبستانی دارد، می‌گوید: سال قبل اینترنتی خرید کردم، جنش همونی نبود که توی عکس بود. امسال فقط چیزی از کوچیک مثل مداد رنگی یا خودکار و آنلاین گرفتم.

تجربه والدین از خرید در نمایشگاه‌های جشنواره‌ای

تجربه والدین از حضور در این نمایشگاه‌ها متنوع است. برخی برای یک بار امتحان رفته‌اند اما تر جیح داده‌اند دیگر تکرارشان نکنند. مادری که همراه دخترش به یکی از این جشنواره‌ها رفته بود، تعریف می‌کند: بیشتر دفترها جلدهای بی‌کیفیت داشتن. بچهم خوشش نیومد، خودمم حس کردم پولمو دور ریختم. اما در مقابل، خانواده‌هایی هم هستند که برای خرید اجناس کوچک مثل مداد و پاک‌کن، نمایشگاه‌ها را انتخاب می‌کنند و معتقدند همین صرفه‌جویی‌های جزئی هم در مجموع به اقتصاد خانوار کمک می‌کند. مادری می‌گوید: شاید کیفیت عالی نباشه، ولی برای وسایل مصرفی مثل پاک‌کن یا تراش، بد نیست. حداقل نصف قیمت مغازه‌هاست. این تفاوت تجربه‌ها نشان می‌دهد جشنواره‌های مدرسه‌ای هنوز نتوانسته‌اند جایگزین قطعی بازار سنتی شوند. برای بسیاری از والدین، اعتماد به خرید حضوری از مغازه‌های شناخته‌شده همچنان بیشتر است، حتی اگر هزینه‌ها بالاتر تمام شود.

خرید و فروش‌های اینترنتی با قیمت‌های عجیب

در سال‌های اخیر، خرید آنلاین لوازم تحریر به هم رونق گرفته است. پلتفرم‌های فروش اینترنتی از چند هفته مانده به شروع رشد تفرج خود را پر می‌کنند از تخفیف‌های رنگارنگ و جشنواره‌های بازگشت به مدرسه. اما بسیاری از والدین می‌گویند قیمت‌ها در این فروشگاه‌های آنلاین، گاهی از بازار حضوری هم بالاتر است. دفترهایی که در بازار حدود ۶۰ هزار تومان فروخته

مستعد ابتلا به بیماری‌های روانی

به گفته سارا ده‌بزرگی، فوق تخصص روان‌پزشکی کودک و نوجوان، خواب‌بیدن رفتاری حیاتی برای ترمیم بدن و مغز است. او می‌گوید: «خواب کافی و باکیفیت برای رشد جسمی و روانی اهمیت دارد، زیرا در طول مراحل خواب هورمون رشد ترشح می‌شود.» در مقابل، خواب ناکافی نه تنها زمینه‌ساز بیماری‌های روانی است بلکه باعث اختلال در عملکرد شناختی و اجتماعی کودک نیز می‌شود. ده‌بزرگی تأکید می‌کند که گاهی خود اختلالات روانی، مانند اضطراب، عامل اصلی مشکلات خواب هستند و می‌توانند به صورت ترس از خوابیدن تنها، دیر به خواب رفتن، بیداری‌های مکرر یا کابوس‌های شبانه بروز پیدا کنند.

چند ساعت خواب کافی است؟

مدت زمان خواب کافی با سن کودک تغییر

چرا اختلال در خواب؟

علل بروز اختلال خواب در کودکان متنوع است: اضطراب و عوامل روانی، بی‌نظمی در الگوی خواب، مصرف نوشیدنی‌های کافئین‌دار، بیماری‌های جسمی، نور زیاد یا سر و صدای محیط، دمای نامناسب اتاق خواب و استفاده مداوم از وسایل الکترونیکی. تلفن همراه، تبلت یا تلویزیون با نور آبی خود تولید ملاتونین را کاهش داده و به‌طور مستقیم در کیفیت خواب دخالت می‌کنند.

راهکارهایی برای خواب آرام

کارشناسان برای بهبود وضعیت خواب کودکان راهکارهایی عملی پیشنهاد می‌دهند، داشتن یک روتین منظم خواب و بیداری، انجام فعالیت‌های آرامش‌بخش پیش از خواب مانند قصه‌خوانی یا گوش دادن به موسیقی ملایم، و دوری از وسایل الکترونیکی حداقل یک ساعت پیش از خواب از جمله این توصیه‌هاست. همچنین ایجاد محیطی آرام و حمایت‌گر در خانه می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. در نهایت، اختلالات خواب پدیده‌ای شایع اما قابل مدیریت است. والدین با صبوری، توجه و در صورت لزوم مشورت با متخصصان می‌توانند به سلامت جسمی و روانی فرزند خود کمک کنند و مسیر رشد سالم او را هموارتر سازند.

در طول خواب، بدن فرصت ترمیم می‌یابد، سیستم ایمنی تقویت می‌شود و هورمون رشد ترشح می‌شود. در عین حال ذهن کودک نیز آرام می‌گیرد، حافظه و تمرکز بهبود می‌یابد و خلق‌وخو متعادل می‌شود

۷

کودکان ۶ تا ۱۲ ساله در شبانه‌روز به ۹ تا ۱۲ ساعت خواب نیاز دارند، در حالی که نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله باید ۸ تا ۸ ساعت بخوابند

نگاهی به معضل اختلال خواب در کودکان و پیامدهای ناگوار آن

وقتی خواب به چشم کودک نمی‌آید

از افت تحصیلی تا مشکلات روانی؛ چرایی خوابی در کودکان زنگ خطری جدی است؟



گروه اجتماعی | شب‌ها که چراغ خانه خاموش می‌شود، والدین امیدوارند فرزندانشان آرام در بستر فرو روند و فردا را با انرژی تازه آغاز کنند. اما برای بسیاری از خانواده‌ها، این آرزو به کابوسی مکرر بدل شده است: کودکی که بی‌قرار در تخت می‌چرخد، نیمه‌شب بیدار می‌شود یا صبح را با خستگی آغاز می‌کند.

اختلال خواب در کودکان، اگرچه در نگاه اول ساده و گذرا به نظر می‌رسد اما تهدیدی پنهان برای سلامت جسمی و روانی آن‌هاست؛ تهدیدی که نه تنها رشد طبیعی کودک را به خطر می‌اندازد بلکه

آرامش والدین و حتی خواهر و برادرها را نیز مختل می‌کند. خواب کافی و باکیفیت، زیربنای رشد سالم به شمار می‌رود. در طول خواب، بدن فرصت ترمیم می‌یابد، سیستم ایمنی تقویت می‌شود و هورمون رشد ترشح می‌شود. در عین حال ذهن کودک نیز آرام می‌گیرد، حافظه و تمرکز بهبود می‌یابد و خلق‌وخو متعادل می‌شود. با این حال، وقتی خواب کودک ناکافی یا بی‌کیفیت باشد، زمینه ابتلا به بیماری‌ها، به‌ویژه اختلالات روانی و مشکلات شناختی، یادگیری و اجتماعی فراهم می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خواب نامناسب

وقتی اختلال خواب در مان نشود

اگر اختلال خواب درمان نشود، پیامدهایی نظیر کاهش توجه و تمرکز، افت حافظه و یادگیری و بروز رفتارهای ناهنجار به همراه دارد. کودکان مبتلا به این مشکل در فعالیت‌های درسی نسبت به همسالان خود بازده پایین‌تری دارند. برخی نیز با علامتی مانند آپنه یا وقفه تنفسی، راه رفتن در خواب، سندرم پای بی‌قرار یا خواب‌آلودگی بیش از حد روزانه دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

سسیمه و مضطرب همه جا را می گشتیم، شوهر هم آن روز ناهارا با ما دور یک سفره خورده بود. من خودشان را خیلی نگران نشان می داد و اموامدوگر که در همه را دنبال ختم می می کرد، حتی چندین بار به شوهرم تماس گرفت و گفت چند جا را اشتباه می کنی. یکی از رفقایاش تلفنی حرف زده بود و موضوع گم شدن ختوم را تعریف کرده بود اما حتی در صحبت هم به خوبی نقش بازی کرده و خودش را نگران نمی داد. بعدها فهمیدیم حتی برای دوستش که ریخته و با گریه گفته بود لیلیا گم شده است. همین ما به او فکر می داشتیم.

[illegible]